بسم الله الرحمن الرحیم

هیدرونیم‌های ایران

(پژوهشی در آب‌نام‌های ایران)

نویسنده: دکتر فیروز رفاهی‌علمداری

سازمان نقشه‌برداری کشور

مرکز تحقیقات نقشه‌برداری

چاپ یکم - تابستان ۱۳۸۴رفاهی، فیروز، ۱۳۳۲-

هیدرونیم‌های ایران(پژوهشی درآب نام‌های ایران)/ نویسنده فیروز رفاهی علمداری؛ برای سازمان نقشه‌برداری کشورمرکز تحقیقات نقشه‌برداری.--تهران: سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۸۴.

۸۸ ص.: جدول.

ISBN:964-6922-33-3

پشت‌جلد به انگلیسی: Firuz Refahi Alamdari Hydronyms of IRAN.

فهرست‌نویسی براساس فیپا.

واژه نامه: ص. ۷۱-۸۲.

کتابنامه: ص.۸۳-۸۵ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. آب‌نام‌شناسی -- ایران. ۲. نامه‌ای جغرافیایی-- ایران. ۳.فارسی-- ریشه‌شناسی. الف. سازمان نقشه‌برداری کشور. مرکز تحقیقات نقشه‌برداری. ب. عنوان.

۷ر۹الف/GB۹۹۲ **۵۵۱/۴۸۰۹۵۵**

کتابخانه ملی ایران **۸۴-۲۰۴۷۰م**

نام کتاب: **هیدرونیم‌های ایران**

نویسنده: **فیروز رفاهی‌علمداری**

ناشر: **سازمان نقشه‌برداری کشور**

صفحه‌آرایی: **سیما فرزانه**

ویراستارفنی : **مهران مقصودی**

ویراستارادبی: **حسین رستمی‌جلیلیان**

طراح جلد و صفحه‌بند : **مریم پناهی**

نوبت چاپ: **یکم، ۱۳۸۴ ، ۲۰۰۰ نسخه**

شابک: ۹۶۴-۶۹۲۲-۲۹-۱۱ ISBN: 964-6922-33-3

نشانی: **تهران، م. آزادی، خ. معراج، سازمان نقشه‌برداری کشور، ص. پ.۱۶۸۴- ۱۳۱۸۵**

پست الکترونیکی : **www.ncc.org**

مرکز پخش: **امور مشتریان سازمان نقشه‌برداری کشور**، تلفن: ۷ -۶۶۰۰۰۰۳۱ (داخلی ۴۳۷)

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال EAN: 9789646922334

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
یادداشت نویسنده	۱
پیشگفتار	۳
علائم آوانویسی و توضیحات	۷
فصل اول: تعریف هیدرونیم	**۹**
هیدرونیم چیست؟	۹
فصل دوم: نگارش هیدرونیم	**۱۵**
یکسان‌سازی و ثبت هیدرونیم‌ها	۱۵
فصل سوم: دیرپایی هیدرونیم	**۲۱**
هیدرونیم‌ها در تاریخ	۲۱
فصل چهارم: تتبع هیدرونیم	**۲۵**
روش گردآوری و بررسی هیدرونیم‌ها	۲۵
گردآوری اسامی به صورت همزمان	۲۷
گردآوری اسامی به صورت درزمان	۲۸

فصل پنجم: بافت‌شناسی هیدرونیم **۳۱**
بافت ساختاری هیدرونیم‌ها ۳۱
آبنام‌های تک جزئی ۳۳
ریخت‌شناسی آبنام‌های تک جزئی ۳۳
آبنام‌های متشکل از اسم ۳۴
آبنام‌های متشکل از صفت ۳۵
آبنام‌های متشکل از اسم فعلی ۳۵
پسوندهای توپوفورم ۳۶
پیشوندهای توپوفورم ۳۷
آبنام‌های دوجزئی ۳۷
آبنام دوجزئی که یک جزء آن اصطلاح هیدروجغرافیایی است. ۳۹
آبنام دوجزئی که یک جزء آن اصطلاح جغرافیایی است. ۴۱
آبنام دوجزئی که هیچ‌یک از اجزاء آن اصطلاح هیدروجغرافیایی و جغرافیایی نیست. ۴۳
ریخت‌شناسی آبنام‌های دوجزئی ۴۴
آبنام دوجزئی مرکب از اسم+ اسم ۴۴
آبنام دوجزئی مرکب از اسم+ صفت ۴۵
آبنام دوجزئی مرکب از اسم+ قید ۴۶
آبنام دوجزئی مرکب از صفت+ اسم ۴۶
آبنام دوجزئی مرکب از قید+ اسم ۴۷
آبنام‌دوجزئی مرکب ازقید+ صفت ۴۷
آبنام‌های چندجزئی ۴۷
آبنام چندجزئی که یا دوجزء آن اصطلاح جغرافیایی است ۴۸
آبنام چندجزئی که هیچ یک از اجزاء آن اصطلاح جغرافیایی نیست ۴۹
ریخت‌شناسی آبنام‌های چندجزئی ۴۹

فصل ششم: ترکیب هیدرونیم ۵۱
عناصر لغوی تشکیل‌دهنده آبنام‌ها ۵۱
اتنوهیدرونیم‌ها ۵۳
فیتوهیدرونیم‌ها ۵۴
زووهیدرونیم‌ها ۵۴
میتوهیدرونیم‌ها ۵۵
کاسموهیدرونیم‌ها ۵۵
آنتروپوهیدرونیم‌ها ۵۵
مموهیدرونیم‌ها ۵۵
پاتروهیدرونیم‌ها ۵۶
اوروهیدرونیم‌ها ۵۶
اویکوهیدرونیم‌ها ۵۶
هیدروهیدرونیم‌ها ۵۷
تئوهیدرونیم‌ها ۵۷
اوموهیدرونیم‌ها ۵۷
هیدرونیم‌های عاریه ۵۷
هیدرونیم‌های مجازی ۵۸

فصل هفتم: دیرینه‌شناسی هیدرونیم ۵۹
ریشه‌شناسی هیدرونیم‌ها ۵۹
آبنام‌هایی که معنی آنها برای ما روشن نیست ۶۰
آبنام‌هایی که کل مفهوم برای ما روشن است ۶۱
آبنام‌هایی که بخشی از معنای آن روشن است ۶۳

فصل هشتم: بیان هیدرونیم ۷۱
زبان هیدرونیم‌های ایران ۷۱

آبنام‌های یک جزئی متعلق به زبان‌های مختلف ۷۵
آبنام‌های دوجزئی که هر دو جزءآن از یک زبان سرچشمه می‌گیرند ۷۵
آبنام‌های دوجزئی که هرکدام از اجزای آن از یک زبان مستقل سرچشمه گرفته است. ۷۵
آبنام‌های چند جزئی که اجرای آن متعلق به یک زبان رایج معاصر یا منسوخ است. ۷۶
آبنام‌های چندجزئی که اجزای آن به زبان‌های مختلف است. ۷۶
بسامد زبانی آبنام‌ها

فصل نهم: واژه‌ها **۷۹**
واژه‌نامه توصیفی هیدرونیمی ۷۹

پیوست‌ها **۹۷**
کتابنامه به زبان فارسی ۹۷
کتابنامه به زبان لاتین ۱۰۱
چکیده به زبان انگلیسی ۱۰۲

یادداشت نویسنده

کمیته «یکسان‌سازی اسامی جغرافیایی» مستقر در سازمان نقشه‌برداری کشور بلافاصله پس از تشکیل، اقدام به ایجاد گروههای کاری نمود. این گروهها موازی با گروههای موجود در کمیته یکسان‌سازی و نام‌گذاری اسامی جغرافیایی سازمان ملل متحد به فعالیت در زمینه مسائل ملی پرداختند. در کنار سایر فعالیت‌ها و وظایف اصلی کمیته «یکسان‌سازی اسامی جغرافیایی»، چاپ و نشر کتب علمی و نظری مربوط به اسامی جغرافیایی ایران نیز در اولویت کار این کمیته قرار گرفت. در این راستا کتاب «*مبانی توپونیمی و نگاهی به توپونیم‌های ایران*» تألیف و در دسترس کارشناسان و علاقه‌مندان قرار گرفت. اینک دومین کتاب از این سری مجموعه تحت‌عنوان «*هیدرونیم‌های ایران*» که به بررسی مسائل نظری و علمی آبنام‌های ایران پرداخته است پیش‌روی شماست. در این کتاب‌ها که برای اولین بار در کشور طبع و نشر می‌شود، اسامی جغرافیایی به‌طور جامع و علمی از منظر زبان‌شناسی، جغرافیایی و تاریخی مورد تحقیق و بررسی قرارمی‌گیرند. از آنجایی‌که تحقیقات در این زمینه جدید و نو است، مسائل نظری با تکیه بر منابع جاری مورد کنکاش قرار گرفته است. شاید نکاتی مورد توجه آگاهان و علاقمندان باشدکه در این بررسی‌ها مورد غفلت قرار گرفته باشد. بنابراین باعث امتنان خواهد بود که خوانندگان و علاقمندان نظرات خود را پیرامون مسائل مطرح شده به هیأت علمی کمیته یکسان‌سازی اسامی جغرافیایی اعلام نمایند تا در چاپ‌های بعدی مد نظر قرار گیرد.

هدف از نشر این‌گونه کارها فراهم نمودن بستر لازم برای انجام پژوهش و تحقیقات مفصل و دامنه‌دار دراین زمینه است.

پیشگفتار

یکی از مسائل پیش روی تحقیقات جدید علم توپونیمی بررسی اسامی جغرافیایی ایران و یکسان نمودن روش ضبط و ثبت آنان است. بدین منظور در گام نخست، شناخت این اسامی و مسائل علمی مربوط به آن اهمیت دارد.دراین راستا مولف در کتاب «*مبانی توپونیمی و نگاهی به توپونیم‌های ایران*»[1] دررابطه با مسائل نظری ـ علمی بررسی اسامی جغرافیایی، اطلاعات جامعی را در دسترس علاقمندان گذاشته است. اسامی جغرافیایی در علم توپونیمی در سه گروه متمایز مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱. اسامی نقاط مسکونی یا جای نامها (Oykonyms)؛

۲. اسامی کوهها، دشت‌ها، پستی و بلندی‌ها (Oronyms)؛

۳. اسامی موردهای آبی یا آب‌نام‌ها (Hydronyms).

بررسی جداگانه هر کدام از این دستجات مستلزم جمع‌آوری مواد لازم و تحلیل آنان است. اسامی هر سه گروه علاوه بر خصوصیات مخصوص به خود دارای وجوه مشترک بسیاری بوده والبته مسائل نظری و علمی زبان‌شناسی در هرسه گروه، واحد است. البته باید درنظرداشت که با توجه به خصوصیات هر زبان و مسائل فرازبانی، تفاوت‌هایی نیز در بررسی اسامی به‌چشم می‌خورد. بنابراین گردآوری و تحلیل اسامی

---

۱. رفاهی، فیروز، *مبانی توپونیمی و نگاهی به توپونیم‌های ایران*، تهران، انتشارات سازمان نقشه برداری کشور، ۱۳۸۰.

مربوط به هر زبان یا مناطق مختلف جغرافیایی می‌تواند نتایج علمی و عملی بخصوصی را آشکارکند.

در این کتاب، اسامی موردهای آبی (آبنام‌ها) مورد پژوهش قرار گرفته است. تعداد این اسامی به بیش از چندین هزار می‌رسد. تنها اسامی رودخانه‌های ایران رقمی حدود ۲۳۰۰ عدد[۱] را شامل می‌گردد. دکتر ربیع بدیعی می‌نویسد:

«طبق آمار منتشره در سالنامه آماری سال ۱۳۵۶ تعداد چشمه‌های موجود در مناطق مطالعه شده حدود ۸۰۶۹ چشمه است».[۲]

همو، تعداد چاه‌های نیمه عمیق در مناطق مطالعه شده کشور را ۴۳۴۱۶، چاه‌های عمیق را ۱۶۹۴۰ و قنوات ایران را ۴۱۴۵۷ رشته می‌نویسد.[۳] تعداد قنوات با توجه به سابقه استفاده از آنها در آبیاری کشور بسیار بیشتر از سایر منابع آبی است. براساس گزارش‌های اعلام شده در «اولین سمینار قنوات ایران» در سال ۱۳۶۸ تعداد قنوات ۵۰۰۰۰ عدد است.[۴] این رقم تنها اسامی رسمی ثبت شده توسط منابع رسمی کشور را شامل می‌شود. همان‌طورکه می‌دانید رودها، رودخانه‌ها، نهرها، کانال‌ها، قنوات و سایر منابع مشابه اغلب طویل بوده و ازمناطق مختلف مسکونی عبور می‌نمایند؛ به همین جهت استفاده از اسامی محلی در بخش‌هایی از این‌گونه عوارض امری طبیعی به نظر می‌آید. از طرف دیگر، چشمه‌های جدید، پیوسته در حال شکل‌گیری هستند. حتی وجود اقوام مختلف درسواحل دریاها، دریاچه‌ها و رودها باعث می‌شود که نام‌های گوناگون بر آنها نهاده شود. لازم است در این مورد به مثالی بسنده نماییم، دریای واقع در شمال کشور ما به اسامی گوناگونی مانند دریای مازندران، دریای گیلان، دریای آبسکون، دریای‌خزر، دریای گرگان، بحر قزوین و ... نامیده شده است. برخی از این اسامی اکنون نیز رایج هستند. به همین دلیل، از یک طرف، ایجاد بانک اطلاعاتی این اسامی واجب است، از طرف دیگر، یکسان‌نمودن این‌گونه اسامی درمنابع رسمی جزو

۱. جعفری، عباس، *رودها و رودنامه ایران*، گیتاشناسی، تهران، ۱۳۷۶.

۲. بدیعی ربیع، *جغرافیای مفصل ایران*، اقبال، تهران، ۱۳۷۲، ص۱۹۶.

۳. همان، صص۱۸۸، ۱۹۳، ۱۹۱ .

۴. دشتی‌زاده رحمت‌آبادی محمد، *آب‌های زیرزمینی و قنات*، پایان‌نامه فوق لیسانس، دانشگاه شیراز، دانشکده کشاورزی، شیراز، ۱۳۷۳.

ضروریات دنیای معاصر است. برای مثال درسکه‌های ۵۰ ریالی رایج فعلی به نقشه ایران و نام دریای مازندران برخورده و در مدارس به نوآموزان نام دریای خزر (و مازندران را در پرانتز) می‌آموزیم و در کتب خارجی آن را کاسپین و بحرقزوین می‌نامیم.

دراین کتاب، مسائل مربوط به آبنام‌ها (هیدرونیم‌ها) یا نام‌های جغرافیایی موردهای آبی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

علائم آوانویسی و توضیحات

در بخش‌های گوناگون این کتاب به آبنام‌هایی اشاره شده که آوانویسی آنها مطابق جدول زیر است. اعداد داخل پرانتز(در برابر اسامی)، بسامد اسم را می‌رساند. در برخی مثال‌ها نوع عارضه داخل پرانتز و قبل از اسم ذکر شده است.

علائم مورد استفاده برای آوانویسی:

Â: ع	M: م
Ä: فتحه اَ	N: ن
A: آ	O: ضمه اُ
B: ب	Ö: مصوت ؤ
Ç: چ	P: پ
D: د	Q: ق
E: کسره(اِ)	R: ر
F: ف	S: س، ص، ث
G: گ	T: ت، ط
Ğ: غ	U: او
H: ه، ح	Ü: مصوت(و)
İ: ی	V: و
I: ی کوتاه	X: خ
J: ج	Y: ی
K: ک	Z: ز، ذ، ض، ظ
L: ل	Ž: ژ

فصل اول

تعریف هیدرونیم

هیدرونیم چیست؟

شاخهٔ علمی را که در زبان‌شناسی به بررسی و تحقیق درمورد اسامی جغرافیـایی می‌پردازد، توپونیمی می‌نامند. توپونیمی درپی رشد تحقیقات زبان‌شناسی در قرن بیستم به‌وجود آمده و به عنوان بخشی از زبان‌شناسی همگانی (در مبحث **نـام‌شناسـی**[1]) بـه بررسی اسامی جغرافیایی می‌پردازد. یکی از سه شاخه عمـدهٔ مـورد بررسـی توپـونیمی، آبنام‌ها هستند که موضوع اصلی آن اسامی موردهای آبی است.

1 . Onomastics

آبنام‌ها به مجموع اسامی کلیهٔ منابع آبی اعم از زیرزمینی و روی زمینــی اطـلاق می‌شود. منابع آبی از دیرباز به دو دسته تقسیم می‌شوند: منابعی که از ابتـدا بـه صـورت **طبیعی**[۱] شکل گرفته و به‌وجود آمده‌اند؛ مانند اقیانوس‌ها، دریاها، نهرها، رودخانه‌ها،

دریاچه‌ها، آبشارها، چشمه‌ها، آب‌های معدنی، تالاب‌هـا، مـرداب‌هـا، بـاتلاق‌هـا[۲]، برکه‌ها، مسیل‌ها، زهاب‌ها، جویبارها، کاریزها، ماندآب‌ها. دسته دوم منابع یا **موردهــای آبی**[۳] مصنوع دست بشر[۴] هستند؛ مانند سدها، دریاچه مصنوعی، بندهـا، کانـال‌هـا، آب انبارها، پل‌های آبرو، چاه‌های آب، قنات‌ها، استخرها، مخزن‌های آب و....

اگر عمر برخی از منابع آبی طبیعی به قدمت عمر کره زمین باشد، عمر تعـدادی دیگر از منابع آبی مصنوعی ممکن است به چنـد روز هـم نرسـد. ایـن‌گونـه آبنـام‌هـا را آبنام‌های جدید[۵] می‌گویند. به‌هرحال، ما با مجموعه عظیمی از منابع آبی سروکار داریـم که هرکدام دارای عنوانی است کـه موضـوع مـورد بحـث هیـدرونیمی(Hydronymy) است.

منابع آبی از نظر شکل خارجی و بیرونی آن‌ها بـه دو دسـته تقسـیم مـی‌شـوند: دسته اول منابع آبی حجیم مانند دریاها، دریاچه‌ها، اقیانوس‌ها، رودخانه‌ها، تالاب‌ها و... و دسته دوم منابع آبی دارای حجم کوچکتر مانند قنات‌ها، چشمه‌ها، جویبارها و.... اسـامی دسته اول **ماکروآبنام**[۶](آبنام‌های بزرگ) و اسامی دسـته دوم **میکروآبنام**[۷] (آبنـام‌هـای کوچک) نامیده می‌شود. ماکروآبنام‌ها اغلب جزو دسته عوارض طبیعی به‌شمارمی‌رونـد و میکروآبنام‌ها دراغلب موارد جزو عوارض ساخت دست بشر هستند. بنـابراین باتوجـه بـه

---

1 .Natural Features

۲. در توپونیمی به اسامی مرداب‌ها و باتلاق‌ها Elonym می‌گویند.

3. Hydro-objects
4. Man-made objects or features.
5. Neohydronyms
6. Macrohydronyms
7. Microhydronyms

نوع ساخت و شکل خارجی آبنام‌ها آنها را به انواع **ماکروآبنام طبیعی**[۱]، **ماکروآبنام مصنوعی**[۲]، **میکروآبنام طبیعی**[۳] و**میکروآبنام مصنوعی**[۴] می‌توان دسته‌بندی کرد.

ماکروآبنام طبیعی	ماکروآبنام مصنوعی
دریاچه هامون	سدکارون
دریاچه لار	سددز
رود کرج	سدکرج
جاجرود	سدلتیان
رود باخزر	سدکرخه

جدول ماکروآبنام‌ها

میکروآبنام طبیعی	میکروآبنام مصنوعی
آبسردار(قنات)	چشمه اسد
قنات کوثر	چشمه گل‌علی
آبشار(قنات)	چشمه بوشلی
قنات شاه چلبی	آبگرم بش باجیلر
قنات هکماوار	آبگرم گنرال

جدول میکروآبنام‌ها

کشور ما دارای عوارض آبی بسیار زیادی است. این عوارض تاکنون از لحاظ فیزیکی، شیمیایی، جغرافیایی، ژئومورفولوژی و ... مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اما در مورد بررسی زبان‌شناختی و توپونیمیک این اسامی تا امروز اقدامی درخور توجه انجام

1. Natural macrohydronyms
2. Man-made macrohydronyms
3. Natural microhydronyms
4. Man-made microhydronyms

نگرفته است. بنابراین در این کتاب اسامی **موردهای آبی**[1] مد نظر قرارگرفته و تنوعات و دسته‌بندی‌های مختلف ساختاری و معنایی آن مورد بررسی قرارمی‌گیرد.

به دلیل اهمیت آب در زندگی انسان و سایر جانداران، انسان‌های اولیه پیوسته بستر و کناره آبراهها را برای زندگی انتخاب می‌نمودند. به همین دلیل قدمت برخی عوارض آبی و اسامی آن‌ها به قدمت زیستگاههای انسان می‌رسد. از طرف دیگر، آبنام‌ها دیرتر از اسامی نقاط مسکونی تغییر می‌کنند. مایکل ویتزل در مقدمه کتاب «*هیدرونیم‌های نپال*» ضمن اشاره به این مسأله می‌نویسد:

بررسی‌ها نشان می‌دهد که اسامی جغرافیایی مانند نهرها، رودها، کوهها در اغلب موارد تغییر ناپذیرتر هستند. این امر بویژه در مورد اسامی رودخانه‌های اروپا که بررسی‌های جامع‌تری در مورد آنها انجام گرفته است صدق می‌کند. رودنام‌های اروپا اغلب منعکس‌کننده زبان‌هایی هستند که قبل از مهاجرت جوامع هندو- اروپایی درآن مکان‌ها رایج بوده‌اند.[2]

تاریخچه ثبت و نگارش اسامی موردهای آبی با زمان پیدایش خط و آغاز کتابت مطابقت می‌کند. در برخی از کتیبه‌های باستانی کشورمان و کشورهای همسایه نام دریاچه‌ها و رودهایمان دیده می‌شود. بعضی از این اسامی هنوز هم به همان شکل قدیم مورد استفاده هستند و برخی به اسامی دیگر نامیده می‌شوند. آبنام‌های ایران را حتی در کتب و نوشته‌های کهن سایر ملل دور مانند هندی‌ها، یونانی‌ها، چینی‌ها، رومی‌ها نیز می‌توان مشاهده کرد. در کتاب کلودیوس پتولمیی یا بطلمیوس به نام « *راهنمایی برای شرح جهان*» (که به نام «*جغرافیای بطلمیوس*» نیز نامیده می‌شود) به ۸۱۰۰ اسم که برخی از آنان متعلق به اراضی ایران باستان است برمی‌خوریم. این اسامی تنها به مرزهای فعلی ما محدود نمی‌شوند و ما آنها را درفراسوی مرزهای سیاسی کنونی کشورمان نیز مشاهده می‌کنیم. این اسامی در دل خود اطلاعات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و تاریخی بسیاری را نهفته دارند.

1. Hydro-objects
2. Witzel Michael, *Nepalese Hydronomy*, Harvard University, 1991 , p.2.

آبنام‌های ایران تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته است. جالب است بدانیم که ما برای تحقیق در مورد اسامی آبنام‌ها به هیچ کتاب یا نوشته مستقلی دراین مورد برنخوردیم. حتی تفحص در نشریات و کتب جغرافیایی نیز ما را به مورد خاصی هدایت ننمود. البته جسته و گریخته به مقالاتی در مورد وجه تسمیهٔ آبنام‌ها مانند خلیج فارس و اروندرود و ... در کتب جغرافیایی برمی‌خوریم که بیش از آنکه جنبه علمی و هیدرونیمی داشته باشند، جنبه سیاسی - اجتماعی دارند. البته باید اذعان نمود که در همین نوشته‌های مختصر نیز مطالب مفیدی در مورد بررسی آبنام‌ها وجود دارد. برای نمونه عبدالکریم بهنیا در اثرعلمی خود پیرامون«*قنات‌سازی و قنات‌داری*» به موضوع جالبی اشاره می‌نماید و دربارهٔ اسامی قنات‌ها می‌نویسد:

«درایران و سایر کشورهای جهان برای قنات بیش از ۲۷ اسم وجود دارد. این اسامی در جنوب غربی آسیا عبارتند از: قونات، کنانت، کنانت، کنوت، کانات، خنات، خاد، کنایت، قنات، کارز،کاریز،کاه ریز،کاه رز، کرز، کاکوریز،که ریز و ..».[۱]

بررسی‌ها نشان می‌دهد که عمده فعالیت در زمینهٔ اسامی موردهای آبی در سال‌های گذشته معطوف به تدوین کتب دایره‌المعارف و فرهنگ جغرافیایی (بیشتر رودها) بوده است که از آن میان می‌توان به کارهای لطف‌اله مفخم پایان، عباس جعفری و تألیفات سازمان جغرافیایی کشور اشاره کرد.

از آنجایی که هیدرونیمی و توپونیمی گرایش‌های جدیدی در تحقیقات زبان‌شناسی به‌شمار رفته و زبان‌شناسی همگانی در ایران دوران کودکی خود را طی می‌کند، کمبود کتب مورد نیاز درباره آبنام‌های ایران بسیار عادی و طبیعی جلوه می‌کند.

گردآوری و بررسی آبنام‌ها (در کلیه نقاط جهان) فواید متعددی دارد؛ یعنی:

«اولا باعث شناخت کامل حوضه‌های آبی یک منطقه و سیستم آن می‌گردد؛ دوم شکل‌گیری حوضه‌های آبی را روشن می‌کند؛ سوم امکان تحلیل زبانشناختی

---

۱. بهنیا، عبدالکریم، *قنات سازی و قنات‌داری*، مرکزنشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۷، ص۱۰.

موردهای آبی را فراهم می‌کند؛ چهارم لایه‌های زبانی و منسوبیت زبانی را روشن می‌کند».[1]

برای مثال در قنات‌سازی اصطلاحات بسیاری به کار می‌رود؛ مانند ترهکار، زهکان، دستک، خشکه، آبخواب، شولات، زنگابه، زیرسو، بالاسو، [2] و... که اصطلاحات جغرافیایی هستند. گردآوری اسامی موردهای آبی منجر به شناسایی و تثبیت اصطلاحات جغرافیایی محلی در آبنام‌ها می‌گردد. این مسأله از یک طرف ،سیر تحول واژه‌های علمی را در زبان فارسی و سایر زبان‌های رایج در ایران نشان می‌دهد . از طرف دیگر، ظرفیت واژه‌سازی اصطلاحات علمی در این زبان‌ها را تقویت می‌کند و مانع نفوذ اصطلاحات نامانوس بیگانه در زبان کشورمان می‌شود.

1. Qara Mashediyev,*Zaqafqaziynin Azerbaycan Toponimleri*, Elm,Bakı,1990, p.111.

۲. همان، ص ۳۸.

فصل دوم

نگارش هیدرونیم

یکسان‌سازی و ثبت هیدرونیم‌ها

یکی از مسائل جدی و مهم در گردآوری و ثبت آبنام‌ها، یکسان‌سازی اسامی جغرافیایی است. برای انجام این کار دستورالعمل مورد نیاز باید توسط کارشناسان و متخصصان زبان‌شناسی تهیه گردد. نگاهی اجمالی به فرهنگ‌های متعدد جغرافیایی گویای این امر است که برای گردآوری اسامی جغرافیایی یک رویهٔ واحد علمی وجود نداشته و همین امر باعث ثبت نادرست برخی اسامی شده است.

در وهله نخست، برای گردآوری و ثبت درست اسامی شناخت محیط زبانی اهمیت دارد. در سال‌های گذشته برای ثبت اسامی نقاط مختلف کشور به زبان فارسی به عنوان زبان رسمی توجه بیش از حدی شده که این امر باعث ثبت اسامی غیرفارسی با اشتباهات فاحش شده است. در ثبت اسامی زبان‌های ایرانی (مثل گیلگی، لری،کردی مازندرانی) و نیز لهجه‌های زبان فارسی مانند خراسانی، اصفهانی، کرمانی و ... مشکل چندانی پیش روی متولیان امر نبوده است، زیرا اصوات موجود در اکثر این زبان‌ها در

زبان ادبی و استاندارد فارسی نیز موجود است. مشکل عمده، ثبت اسامی غیر فارسی زبان است. برای تبیین موضوع نگاهی به اسامی ترکی ایران می‌اندازیم.

هنگام ثبت اسامی جغرافیایی و آبنام‌های غیرفارسی ایران چند نوع خطا بروز می‌کند:

اول خطاهایی که در اثر عدم آشنایی عامل ثبت‌کننده با زبان آبنام واقع می‌شود. در این نوع خطا، ثبّات، نام مورد نظر را به نزدیکترین صوت شنیداری زبان فارسی تبدیل می‌کند و باعث از بین رفتن مفهوم و مصداق اسم می‌گردد؛ مانند زروان(Zarvän) (که هنگام ثبت زارعان شده است) و اوسپووا (Uspovä) (که به یوسف‌آباد تبدیل شده است). دوم اسامی که هنگام ثبت آنها قواعد و دستورالعمل خاص زبان ترکی رعایت نشده یا نادیده گرفته شده است. برای مثال دریاچه در زبان ترکی گؤل(göl) خوانده می‌شود، اما این واژه در آبنام‌ها به شکل گلی و گل نوشته شده است که اولی در زبان فارسی رنگ سرخ و دومی گل و گیاه معنی می‌شود. مثلاً دریاچه مصنوعی شهر تبریز که ائل گلی (Elgöli) ثبت و خوانده می‌شود، به فارسی «طایفه سرخ رنگ» معنی می‌دهد و نه «دریاچه مردم» که معنی محلی آن است. همین‌طور است معنی «قنات خانم گلی» (qanäte xänım göli) که در تبریز به معنای قنات «دریاچهٔ سرور من» است و می‌تواند به زبان فارسی قنات «خانم سرخ» تعبیر شود. همین مسأله برای ثبت اسامی ترکی بولاق (buläq) به معنای چشمه وجود دارد. اصطلاح هیدروجغرافیایی چشمه به زبان ترکی به اشکال بلاغ، بولاغ، بولاق و بلاق ثبت شده است مانند (رود) آق‌بلاغ (Ăğbuläğ)، (آب معدنی)، شور بولاغ بیلوار (Şorbuläğ beylvär)، (رود) جنی بلاغ (Cinnibuläğ)، (رود) شکر بلاغ (Şakarbuläğ)، (رود) یاستی بلاغ (Yästıbuläğ) که تنها شکل بولاق درست است. اگر این کلمه به صورت اضافهٔ ترکیبی به جزء دوم یک اسم اضافه شود و بعد از صدای ق حرف صدادار بیاید، «ق» به «غ» تبدیل می‌شود؛ مانند منصور بلاغی (رود).

کلمات ترکی آغ و قارا (به‌معنای سفید و سیاه) نیز همین مشکل را دارند و در اسامی گوناگون به شکل آق، آغ، قره، قرا نیز ثبت شده‌اند. در زبان ترکی حروف صدادار نه عدد هستند و حروف صدادار لبی‌ترکی مثل ö,ü در فارسی معادل نداشته و در

اسامی منعکس نشده است. این موضوع یعنی عدم ثبت و ضبط صداهای خاص زبان ترکی در کلیه دستورالعمل‌هایی که تاکنون برای ثبت اسامی جغرافیایی تدوین شده است مشاهده می‌شود. قابل توجه است که این نقص در جزوه منتشر شده توسط گروه‌کاری آوانگاری سازمان نقشه‌برداری کشور نیز به چشم می‌خورد و تدوین‌کنندگان *«راهنمای آوانویسی کلی» تنها جداولی را برای ثبت اسامی جغرافیایی فارسی تنظیم کرده‌اند. در جزوه مزبور ضمن ارائه تعریف آوانویسی نوشته شده است:*

*« ۲-۲-**آوانویسی** عبارت است از ثبت نام‌های جغرافیایی مستخرج شده از ماده‌ی زبانی تلفظ شده توسط گویشوران بومی ... با استفاده از نظامی الفبایی که در آن رابطه‌ای یک به یک بین آوا و حرف برقرار باشد.*[۱]

در جداول تکمیلی که برای ثبت واکه‌ها پیشنهاد شده است نیز کمبود حضور واکه‌های لبی ترکی مشاهده می‌شود. این نقیصه باید برطرف شود تا بتوان ثبت و آوانویسی اسامی ترکی را بدرستی انجام داد.

نوع دیگری از خطای رایج، ترجمه اسامی است. دراین حالت، اسامی برخی آبنام‌ها به همان معنی آبنام زبان اصلی ترجمه شده است؛ مانند:

آبنام اصلی	آبنام ترجمه شده
زنجان چای	زنجانرود
آجی چای	تلخه رود
آق داش	سپیدکوه
کچل داش	کل سنگ
قوری چای	خشکرود
یانخلی (جزیره)	آتش
یاستی‌آدا (جزیره)	تخت
قلیچ (جزیره)	شمشیر
قره تپه	سیاه تپه

۱. *راهنمای آوانویسی کلی*، گروه کاری آوانگاری نام‌های جغرافیایی، کمیته تخصصی نام‌نگاری و یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی ایران، سازمان نقشه‌برداری کشور، تهران،۱۳۸۳، ص۵.

در برخی آبنام‌های ترجمه شده، آبنام به معنای دیگری غیر از معنای واقعی آن ترجمه شده است که یا ناشی از خطا در اخذ معنا و مفهوم آبنام است، یا خطای عمدی است؛ مانند:

آبنام اصلی	ترجمه نادرست آبنام
چم جغتای	زرینه‌رود
قزل اوزن	سفیدرود
چم قروچا	سیمینه رود
آقمشه (جزیره)	بهرام
ایشک (جزیره)	اشک
داش آدا (جزیره)	برذین
دوقوزلر (جزیره)	تک
سائین قلعه	شاهین
قره آدا(جزیره)	سیاوش
علی میرزا (جزیره)	برزو
عموجانلر (جزیره)	گرز

معانی اصلی آبنام‌های فوق به شرح زیر است:

چم جغتای(Çamcüqatäy): رود جغتای(نام شخصیت تاریخی)

قزل اوزن (Qızılüzan): زرینه رود یا رود سرخ

چم قروچا (Çamquruçä): رود قروچا

آقمشه (Äqmeşa): جنگل سپید

ایشک (Eşik): بیرونی

داش آدا (Däşädä): زیرهٔ سنگی یا جزیره سنگلاخ

دوقوزلر(Doquzlar): (جزیره)نُه گانه یا نُه تن

سائین قلعه(Säyınqala): قلعهٔ احترام برانگیز

قره آدا (Qaraädä): جزیرهٔ سیاه(بزرگ)

علی میرزا (Älimirzä): نام خاص احتمالاً در محل معروف است.

عموجانلر (Âmicänlar): مربوط به طایفهٔ عموجانلر

مثال‌های فوق از بین اسامی رسمی دریاچه ارومیه برداشته شده است. آنچه در تغییر اسامی جزایر دریاچه ارومیه دیده می‌شود، وجود یک نظام واحد برای تبدیل این اسامی است؛ بدین معنا که کلیهٔ اسامی بومی و محلی جزایر با نام‌های برگرفته از شاهنامهٔ فردوسی جایگزین شده و خود گویای یک سیاست زبانی خاص است.

یکسان‌سازی اسامی جغرافیایی دارای اهمیت بین المللی نیز است. به همین دلیل، سازمان ملل متحد اقدام به تشکیل کمیتهٔ خاصی متشکل از کشورهای عضو نموده و آنها را در گروه‌بندی‌های زبانی و منطقه‌ای موظف به گردآوری و یکسان‌سازی اسامی جغرافیایی نموده است. تازه‌ترین فعالیت کمیته یکسان‌سازی سازمان ملل متحد تشکیل گروه‌کاری نامگذاری عوارض بستر دریاهاست[۱]. بیشتر سطح و اعماق آب‌ها به طور مشترک مورد استفاده هستند، بنابراین نامگذاری عوارض آبی بدون درنظر گرفتن نظرات سایر ملل نیز می‌تواند مشکل‌آفرین باشد. اشتباه در به کاربردن اسامی جغرافیایی به طور اعم و اسامی موردهای آبی به طوراخص باعث بروز ناآرامی و تشنج میان کشورهای همجوار یا استفاده‌کنندگان آن اسامی می‌شود. کافی است به تجربه کشورمان در مورد نام اروندرود (معادل اندونیم شط‌العرب) و خلیج‌فارس اشاره‌کنیم. این اشتباهات به دو صورت هستند؛ یعنی یا به صورت عمدی است و ناشی از اهداف سیاسی و غیرسیاسی است، یا به صورت ناآگاهانه و عدم توجه به ثبت و ضبط آن نام در کشور صاحب آن نام. در اینجا برای اشتباه نوع به مثالی کفایت می‌کنیم. در کتاب تاریخ کلاس پنجم ابتدایی و جغرافیای اول راهنمایی نام رودی که پس از پیوستن به رود ارس به دریای خزر می‌ریزد، کورا[۲] و نام سد (دریاچه مصنوعی) روی همین رود در نزدیکی شهر مینگه چِویر، مینگه جاوا

---

۱. برای اطلاعات بیشتر به پایگاه اینترنتی مربوط به UNGEGN مراجعه کنید.

۲. برای اطلاعات بیشتر به کتاب تعلیمات اجتماعی کلاس پنجم دبستان صفحه ۳۳ و جغرافیای اول راهنمایی صفحه۹ (نقشه) مراجعه کنید.

ثبت شده است. این نام‌ها برگرفته از برگردان روسی آنهاست، زیرا در زبان روسی این رود Кура (کورا) و سد مینگه چاوا (Мингечав) گفته می‌شود که الف آخر آن علامت دستوری (تانیث) است و تدوین‌کنندگان کتاب مزبور توجهی به تلفظ و ثبت آن اسامی در اسناد رسمی آن منطقه ننموده‌اند. تلفظ درست و رسمی این نام‌ها Kür[1] (کؤر-کر) و Mingaçevir (مینگه چِویر) است. مشابه نام رود کر در کشورمان نیز وجود دارد؛ مانند (رود) کر(Kor) در شیراز و (رود) کر(Kor) در آباده. اصطخری در کتاب « *مسالک و ممالک* » درباره این رود می‌نویسد:

«...و رود کر آبی خوش است، از کوه آید و به حدود گنجه رود و به شمکور و در میان تفلیس گذرد و به کافرستان اوفتد».[۲]

1.*Azerbycan xəritəsi*, Kart.və Geo. komitəsinin hazırladığı xəritə, Bakı, 1996

۲. اصطخری، ابواسحق ابراهیم، *مسالک و ممالک*، به اهتمام ایرج افشار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ص ۱۵۹.

فصل سوم

دیرپایی هیدرونیم

هیدرونیم‌ها در تاریخ

آبنام‌های ایران از دیر باز مورد توجه سیاحان، جغرافیدانان و تـاریخ‌نگـاران بـوده است. اغلب جغرافیدانان در مورد وضعیت دریاها و رودهـای ایـران قـدیم مطـالبی ذکـر کرده‌اند. برخی از آنها پا را فراتر گذاشته و در مورد مفهـوم آبنـام‌هـا نیـز عقایـد خـود و دوران خود را به تفصیل بیان کرده‌اند. آنچه که از نظر هیدرونیمی قابـل اهمیـت اسـت، تفسیر آنان از وجه تسمیه اسامی نیست. البته این موضوع به نوبه خود مهـم اسـت، امـا مهم‌تر ازآن ثبت اسامی مورد آبی یا آبنام‌هاست. ثبت درست یک نام، کلید واقعی اسـرار نهفته درآن نـام اسـت. نـام درسـت دارای ارزش و بـار فرهنگـی، تـاریخی، جغرافیـایی، زبان‌شناسی، مردم‌شناسی، اقتصـادی و ... اسـت. ثبـت نادرسـت اسـامی باعـث تحریـف واقعیات علمی، فرهنگی و معیشتی می‌شود.

بررسی کتب قدیمی خصوصاً منابع و مأخذی که دستاورد دانشمندان سایر ملل است، نشان می‌دهد که ثبت آبنام‌های کشور ما توسط آنها دارای نقص‌هایی بوده است. قدیمی‌ترین منابع آبنام‌های ما آثار «هکاتئوس» پدر جغرافیاست. در کتاب او اسم «دریای هیرگانی» و «رود ارس» ثبت شده است. یکی از خصوصیات زبان یونانی، تغییر اسامی است. برای مثال آنها رود ارس را به صورت آراکس (Äräks) ثبت نموده‌اند. هرودوت پدر تاریخ نیز هنگام بحث پیرامون حوادث تاریخی روزگار خود، جای جای به نام رودها و دریاهای ایران اشاره می‌نماید. وی می‌نویسد که رود آراکس (ارس) از دانوب بزرگتر است.[1]

«استرابو» در کتاب مفصل «*جغرافیا*»ی خود به نام رودهای ایران اشاره می‌کند. از دیگر دانشمندان یونانی که آبنام‌های ایران درآثار آنها دیده می‌شود می‌توان به «اراتسن» اشاره نمود.«کلاودیوس پتولمه» در کتاب «*راهنمای جغرافیا*» نام رودهای این مناطق مثل رودکر(Kor)، رودآلبان (Älbän)، رودآلازان (Äläzän)، رودکایسی (Käisi)، رود سوانا (Suänä) را ثبت کرده است.

مورخ رومی گایوس پلینوس یا پلین بزرگ نیز از آبنام‌های کامبیس (Kämbis)، کاس(Käs)، اوکازان (Okäzän)، و ایبر(İber) نام برده است.

مورخان ارمنی مانند لازار فاربی، الیزه، مسروپ ماشتوس رودکر، رود ارس و دریای خزر را ذکر نموده‌اند.

در منابع قدیم گرجی و ازجمله در«*سالنامه گرجستان*» (*Kartlis tekhoreba*)[2] اسامی ایرانی مربوط به قرون ۱۴ـ۵ مشاهده می‌شود.

درقدیمی‌ترین منبع فارسی یعنی کتاب «*حدود العالم*» تالیف سال ۳۷۲ ه.ق از دریای خزر، دریای کبوذان، دریای باسفهری، دریای بجکان، دریای یون، دریای جنکان، دریای ارزن، دریای زره، رود سکان، رود پارس، رود خویدان، رودکر، رود فروآب، رود

---

1. Herodotus, The Histories, Penguin Books,GB,1973, p.122.
2. Azərbaycan onomastikası problemlərinə həsr olunmuş II elmi-nəzəri konferansın materiyalları, Bakı,1988, s.161.

طاب، رود سردن، رود شوشتر، رودهرند، تیژنرود، رودارس، رود کر، نهرمیجان، سپیدرود، زرن رود نام برده شده است.[۱]

جغرافیدانان عرب نیز درآثار خود آبنام‌های ایران را ثبت کرده‌اند.

«ابواسحق ابراهیم اصطخری» نویسندۀکتاب «*مسالک و ممالک*» درقرن چهارم نام رودها و دریاچه‌ها را برشمرده است؛ مانند دریاچه کنـده، دریاچـه ارمیـه، دریاچـه تـوز، دریای خزر، دریاچه چوپانان، دریای پارس، دریای جنگان، دریای طبرستان، رودانـدراب، رود برخوی، رود اسرود، رود خرساب و ....[۲]

«یاقوت» درکتاب معظم «*معجم البلدان*» و«*مشـترک یـاقوت حمـوی*» گنجینـۀ عظیم اسامی آبنام‌های ایران را به یادگار گذاشته است؛ مانند بحیره طـریخ، بحیـره زره، جزیره عبادان، رودارس، دریای خزر، دریای ارمیه، دریای آبسکون، رودقم، سپیدرود.[۳]

«بوعبداله محمـدبن احمـد مقدسـی» در کتـاب «*احسـن التقاسـیم فـی معرفـه الاقالیم*» که به سال ۳۷۵ هجری قمری تالیف کرده است، در بخش دوم اثرش تحت نام سرزمین ایران به توصیف خاوران ،سرزمین دیلم، سرزمین رحـاب، سـرزمین کوهسـتان فارس، خوزسـتان و ... پرداختـه اسـت.او نـام رودخانـه‌هـا، دریاهـا و ... را ماننـد ارس، نهرملک، کر، دریاچه اَرجیج، سَپیذرود، رود طـاب، کـرج، نهـر مشـرقان، مـرداب دَورَق، آبسکون ذکرمی‌کند.[۴] منابع عربی قرون میانه اسلامی سرشار از اسامی آبنـام‌هـای ایـران است. نام بردن از تک تک آنها در اینجا ضرورتی ندارد.

از اوایل قرون میانه حضور سیاحان درایران آغاز گردید. بیشـتر ایـن سـیاحان بـا مقاصد و اهداف سیاسی به ایران آمدند. شرح و نتایج سفرآنها در سفرنامه‌هایی که بـرای ما به یادگار گذاشته‌اند به دست ما رسیده است. آنان در اکثر ایـن سـفرنامه‌هـا وضـعیت اقتصادی ایران آن روزگار را تشریح نموده اند. نکته جالـب در ایـن کارهـا ثبـت اسـامی

---

۱. حدود *العالم من المشرق الی المغرب*، به کوشش منوچهر ستوده، طهوری، تهران، ۱۳۶۳، ص۱۶۴.

۲. ر.ک. ابواسحق اصطخری، *مسالک و ممالک*، تهران، ۱۳۴۷.

۳. حموی، یاقوت، برگزیده مشترک یاقوت حموی، ترجمه محمد پروین گنابادی، ابن سینا، تهران، ۱۳۴۷.

۴. ر.ک. مقدسی ابوعبداله محمدبن احمد، احسن التقاسیم فی معرفـه الاقـالیم، ترجمـۀ دکتـر علینقـی منـزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱.

آبنام‌های ایران است. آنان هنگام عبور ازکنار آب‌های معدنی، پل‌ها و ... اسامی موردهای آبی را ذکر می‌کنند. حتی اگر کار آنها امروزه فاقد اهمیت علمی باشد، اما آثار آنها را می‌توان به عنوان منابع قدیمی مورد استناد قرار داد. در میان کارهای انجام شده در قرون گذشته، یک اثر دارای ارزش ویژه برای بررسی‌های علمی آبنام‌های ایران است. در قرن نوزدهم ترجمهٔ کتب جغرافیایی مشرق زمین برای تحقیقات شرق‌شناسی اهمیت خاصی کسب نمود . به جرأت می‌توان گفت که کلیه کتب عمدهٔ جغرافیایی عربی و فارسی به زبان‌های اروپایی ترجمه شده و تحقیقات وسیعی در مورد آنها انجام گرفته است. در این میان دانشمند شهیر باربیه دو مینارد (Barbier De Meynard) دست به تالیف اثری زد که برای ما از جایگاه خاصی برخوردار است. وی در سال ۱۸۶۱ اثر جامع خود را تحت نام«*فرهنگ جغرافیایی، تاریخی و ادبی ایران*» در پاریس چاپ نمود.[۱]

در اواسط قرن بیستم ایران‌شناس مشهور روس، ساوین فرهنگ اسامی جغرافیایی ایران را تدوین نمود.

در قرن بیست‌ویکم علی‌رغم کاهش فعالیت در زمینهٔ علوم غیرادبی مربوط به ایران، جسته و گریخته کارهایی تحقیقی درمورد اسامی جغرافیایی ایران انجام گرفته است. یکی از این تحقیقات، بررسی اسامی ایرانی درآبنام‌های اوکراین است[۲]. یقینا کارهای فراوانی در سطح جهان انجام شده است و لازم است که کلیهٔ این تحقیقات گردآوری، و در دسترس دانشوران و محققان ایرانی قرار گیرد.

1. De Meynard Barbier, Dictionnire geogrphique, historique et litteraire *de l Perse* , Paris, 1861
2. Telegin D.Y.Iranian Hydronyms and Archeological Culture in the Easter Ukraine, JIES., V.18, p.109

فصل چهارم

تتبع هیدرونیم

روش گردآوری و بررسی هیدرونیم‌ها

یکی از ضروریات مهم هر پژوهش و بررسی، گردآوری مواد مورد نیاز آن تحقیق است. در اینجا ما مبنای بررسی خود را بر منابع رسمی موجود نهاده‌ایم. اسامی رودها، رودخانه‌ها، چشمه‌ها، دریاچه‌ها، کاریزها، برکه‌ها، نهرها، قنوات، تالاب‌ها، مرداب‌ها، کانال‌ها، آب‌های معدنی، چاههای عمیق به طرق مختلف توسط منابع رسمی بنابر وظایف آنها گردآوری شده است. نکته مورد توجه این است که اینان از یک طرف در ثبت اسامی آبنام‌ها از اصول آوانویسی پیروی ننموده اند و از طرف دیگر، مبنای کار هیچ‌کدام از این منابع رسمی بررسی توپونیمیک اسامی نبوده است؛ زیرا این کار جزو وظایف و مسئولیت‌های آنان نبوده است. این کار در واقع یکی از وظایف اصلی«کمیته یکسان سازی نام‌های جغرافیایی» مستقر در سازمان نقشه‌برداری کشور است. وظایف این کمیته، علاوه بر ایجاد بانک اطلاعاتی، گردآوری این اسامی نیز است. در سازمان

نقشه‌برداری کشور به منظورگردآوری اطلاعات مورد نیاز جغرافیایی از کارت اسامی استفاده می‌کنند. بررسی اجمالی این کارت‌ها نشان می‌دهد که در گردآوری اطلاعات مربوط به عوارض جغرافیایی، در مورد اسامی عوارض، مسائل مربوط به توپونیم‌ها و اسامی جغرافیایی از دید تدوین‌کنندگان «*دستورالعمل طبقه‌بندی و نام‌نگاری عوارض در نقشه‌ها و پایگاه اطلاعات توپوگرافی ملی*»[1] به دور مانده است. نقص عمدهٔ این دستورالعمل تنها عدم توجه به اسامی عوارض نیست، بلکه جامع نبودن نوع عوارض نیز است؛یعنی عوارض جغرافیایی بسیاری روی نقشه منعکس نمی‌شوند. اگر در تدوین یک نقشه خاص و با مقیاسی معین نیازی به انعکاس برخی عوارض در روی برگهٔ نقشه نداشته باشیم، باید درکارت اسامی، این اطلاعات جمع‌آوری و در پایگاه الکترونیکی مربوطه ضبط‌گردد تا در آینده مورد استفاده قرار گیرد.

امروزه با توجه به اهمیت گردآوری صحیح اسامی، تلاش‌های مختلفی در سطح جهان انجام شده است. در این راستا، سازمان ملل متحد گام‌های بزرگی برداشته و از کشورهای عضو نیز خواسته است که علاوه بر تشکیل کارگاههای آموزشی، نسبت به گردآوری اسامی، اقدام به تهیه دستورالعمل‌های لازم بنمایند. به همین منظور برخی از کشورها از جمله کانادا راهنمای گردآوری اسامی جغرافیایی را به زبان‌های بومی تهیه و در دسترس علاقمندان گذاشته است.[2] کشور ما نیز به دلیل تنوع زبانی و گسترده بودن اسامی جغرافیایی باید تهیه چنین دستورالعمل‌هایی را در دستور کار خود قرار بدهد. انتظار می‌رود که «کمیتهٔ تخصصی نام‌نگاری و یکسان‌سازی نامهای جغرافیایی ایران» بدین امر اهتمام نموده و دستورالعمل‌های گردآوری اسامی جغرافیایی به زبان‌های مختلف مرسوم در کشور را تهیه نماید.

برای این‌کار می‌توان از تجربیات سایر کشورها نیز با توجه به ویژگی‌های خاص محلی و فرهنگی استفاده نمود. تهیه پرسش‌نامه‌های مخصوص و جامع و آموزش گروههای ویژه برای چنین طرحهایی دارای اهمیت عملی و علمی بنیادی است. برای

۱.دستورالعمل طبقه‌بندی و نام‌نگاری عوارض در نقشه‌ها و پایگاه اطلاعات توپوگرافی ملی، نگارش ۱/۲ (با تجدید نظر کلی و تغییرات اساسی)، کمیتهٔ استانداردهای اطلاعات توپوگرافی رقومی، سانکا، تهران، ۱۳۷۷.

2. Toponymic guide

این کار باید تمام اسامی موردهای آبی از خرد و کوچک، بدون توجه به وضعیت فیزیکی آنها گردآوری شوند.

گردآوری آبنام‌ها به دو روش می‌تواند انجام گیرد:

۱. گردآوری و ثبت آبنام‌ها به صورت همزمان[1].

۲. گردآوری و ثبت آبنام‌ها به صورت در زمان[2].

۱. گردآوری اسامی به صورت همزمان

دراین روش، با اعزام نیروهای آموزش دیده کلیه آبنام‌های فعال با آوانویسی دقیق جمع‌آوری می‌شود. آبنام فعال، عارضه‌ای را گویند که نام آن بین مردم رایج باشد، حتی اگر عارضه آبی دیگر موجودیت جغرافیایی نداشته باشد، مانند رودی که خشک شده باشد یا فصلی باشد و در زمان ثبت آن فاقد آب باشد یا چشمه‌ای که دهانه آن کورشده و آب ندهد.

برای گردآوری آبنام‌ها هیچ چیز نباید از دید متصدیان به دور بماند. حتی اسامی موردهای آبی بسیار کوچک نیز نباید نادیده گرفته شوند. برای مثال اگر در جایی بر اثر پدیده‌های جوی و جغرافیایی مقداری آب جمع گردد که فصلی بوده و تنها مورد استفاده دام‌ها و دارای نام هستند، باید ثبت‌گردد (جالب توجه است که در دستورالعمل سازمان نقشه‌برداری کشور به ضبط و ثبت انداب توجه شده است، اما عوارض مهمتر و بزرگتری مانند کاریز، جویبار، آب معدنی، آب گرم و ... از قلم افتاده است[3]).

برای آوانویسی آبنام‌های مناطق غیر فارسی زبان نیز باید از قواعد آوانویسی خاص آن زبان‌ها پیروی نمود. متأسفانه تاکنون دستورالعمل جامع آوانویسی برای کلیهٔ زبان‌های موجود در ایران تدوین نگردیده و این اشکال عمدهٔ دستورالعمل‌های موجود است.

---

1. Synchronic
2. Diachronic
۳. *دستورالعمل طبقه‌بندی و نام‌گذاری عوارض در نقشه ها و پایگاه توپوگرافی ملی*، نگارش ۲/۱، سازمان نقشه‌برداری کشور، تهران ۱۳۷۷.

حداقل در مورد دستورالعمل‌های موجود باید اصوات مخصوص سایر زبان‌های مورد استفاده در ایران در آنها گنجانده شود.

بیشتر فرهنگ‌های جغرافیایی، فرهنگ رودها، کوهها و ... تدوین شده در سال‌های اخیر و اطلاعات و آمارهای تهیه شده توسط سازمان‌های گوناگون با استفاده از روش همزمان تنظیم شده‌اند. در مجموعه «*آمارگیری روستایی جهادسازندگی*» در بخش فرهنگ اقتصادی دهات و مزارع علاوه بر اسامی روستاهای کشور به تعداد قنوات دایر، بایر، چاههای عمیق، نیمه عمیق، دستی، آرتزین، چشمه‌های دائمی، فصلی، رودهای دائمی و فصلی اشاره شده است، اما اسامی آنها ثبت نشده است.

ایجاد بانک اطلاعاتی آبنام‌های کشور که در آن آبنام‌ها به هر دو روش گردآوری و ذخیره شده باشند، بسیار مهم و اجتناب ناپذیر است. در این بانک اطلاعاتی کلیه داده‌های مربوط به عارضه شامل نام رسمی آبنام، نام محلی، نام بومی، نام قبلی، نام رایج، نام قدیمی، وجه تسمیهٔ نام، نام‌های مشابه در منطقه، زبان رایج در منطقه، زبان آبنام و ... همراه با آوانویسی لاتین آنها ثبت گردند. تحلیل و بررسی این اطلاعات می‌تواند در ساخت نام‌های جدید مورد استفاده قرار گیرد.

۲. گردآوری اسامی به صورت در زمان

در این روش، ضمن مراجعه به کتیبه‌ها، کتب، نقشه‌ها و اسناد قدیمی و کلیهٔ منابع تاریخی موجود در کشور و سایر کشورها این اسامی به صورت توصیفی و تطبیقی از آن منابع استخراج می‌شوند. یعنی اشکال گوناگون آبنام در طول سال‌های گذشته جمع‌آوری می‌شود. یکی از فوائد عمده این کار، بررسی ماهیت زبان‌شناختی آبنام‌ها و بررسی آنها به صورت تطبیقی است که این امکان را به دست می‌دهد تا در صورت تلفظ نادرست، یا ثبت نادرست آبنام‌ها نسبت به اصلاح آنها از این منابع استفاده نماییم. دراغلب منابع جغرافیایی قدیمی، تلفظ و املای صحیح اسامی به کمک اعراب قید شده است. مشکل اصلی در تلفظ اسامی بدون اعراب، آن دسته اسامی است که دیگر دارای مصداق خارجی نیستند؛ مانند چشمه یا آبگرمی که خشک شده و دیگر وجود خارجی ندارند. از طرف دیگر، برخی از زبان‌ها هنگام ثبت یک نام خارجی آن را با قواعد مربوط

به زبان خود تطبیق می‌دهند، بنابراین هنگام بررسی این اسامی باید نسبت به قواعد آن زبان‌ها تسلط کامل داشت تا هنگام تبدیل اسامی اشتباه پیش نیاید. تاکنون رسم براین بوده و هست که مترجمان هنگام برگردان کتاب‌ها، اسامی را به معادل فارسی آن برگردانده و توجهی به نکات مندرج در آن اسامی ندارند. این امر بخصوص در برگردان کتب تاریخی قابل اهمیت است.

«کمیتهٔ تخصصی نام نگاری و یکسان‌سازی نامهای جغرافیایی ایران» برای گردآوری اسامی تاریخی اقدام به ایجاد گروه کاری« اسامی تاریخی» نموده است. البته باید اذعان نمود که این کار بسیار حجیم و پرمشغله است، زیرا باید کلیهٔ منابع تاریخی بررسی، و یادداشت‌برداری گردد. انجام این کار بزرگ دارای اهمیت نظری و عملی بزرگی است.

شایان ذکر است که اشکال گوناگون اسامی باید در هر دو روش به طور کامل گردآوری گردند، تا بتوان در گام‌های بعدی به کمک متخصصان زبانشناس، تاریخدانان و جغرافی شناسان و... نسبت به ریشه‌یابی (وجه تسمیه) این اسامی تحقیقات لازم و مورد نیاز انجام گیرد. یعنی اشکال گوناگون آن در زبان فارسی و سایر صورت‌های آنها که درکشورهای همجوار ممکن است به کار رفته باشند بررسی شوند.

بررسی تطبیقی اسامی گردآوری شده به هر دو روش، اساس بررسی‌های توپونیمیک آبنام‌ها را تشکیل‌می‌دهد. این مسأله، هم شامل روش‌های گردآوری اسامی، و هم شامل تحلیل ساختاری، لغوی و اتیمولوژیک اسامی می‌گردد. در بررسی تطبیقی، دایرهٔ تحلیل اسامی از مرزهای سیاسی فراتر رفته و شامل تمام مناطقی می‌گردد که آن اسم یا اسامی مشابه آن در آن مناطق مورد استفاده قرار گرفته است.

مرزهای جغرافیایی رسمی یک زبان، تابع ثغور سیاسی آن زبان است. در قرون متوسط و میانه مرزهای زبان فارسی بسیار فراتر از مرزهای جغرافیایی فعلی آن بوده و از مشرق تا شبه قاره هند و از شمال تا سرحدات قفقاز و بخش‌هایی ازآناتولی را در بر می‌گرفته است. امروزه گنجینهٔ عظیمی از کتب نادر و دستنویس قدیمی درکتابخانه‌های هند، مصر، ترکیه، سوریه، ازبکستان و روسیه آرمیده است.

یکی از تحقیقات پرارزش در زمینه گردآوری تطبیقی توپونیم‌ها که درآن به آبنام‌ها نیز اشاره شده و شکل قدیم و جدید آنها جمع‌آوری شده است، «*فرهنگنامه تطبیقی نام‌های قدیمی و جدید مکان‌های جغرافیایی ایران و نواحی مجاور*» کار علیرضا چکنگی است. جای چنین کاری نه تنها برای توپونیم‌های ایران به طور عام، بلکه برای آبنام‌ها و سایر بخش‌های توپونیمی خالی بوده و این کار باید ادامه یابد.

فصل پنجم

بافت شناسی هیدرونیم

بافت ساختاری هیدرونیم‌ها

ساختار هیدرونیم‌ها تابع قواعد زبان آن آبنام‌ها است. یعنی همان‌طوری‌که کلیـۀ کلمات را در زبان فارسی از نظرساختار می توان ابتدا به کلمات سـاده و مرکـب تقسـیم کرد، آبنام‌های زبان فارسی را نیز به دو دسته **آبنام‌های ساده** و **آبنـام‌هـای مرکـب** می‌توان تقسیم کرد. البته آبنام‌هایی که از سایر زبـان‌هـا درسـت شـده‌انـد، و یـا عاریـه گرفته‌شده‌اند می‌توانند با توجه به قوانین خاص آن زبان‌ها با زبان فارسی متفاوت باشند، لیکن در اینجا توجه ما به طور عمده به آبنام‌های زبان فارسی معطوف است. آبنـام‌هـای ساده آبنام‌هایی را گویند که از یک کلمه تشکیل شده‌اند و آبنام‌های مرکب آبنـام‌هـایی هستند که از چندین کلمه ترکیب می‌شوند. دراینجا برای اینکه گروه‌بندی ما جامع بوده و کلیۀ آبنام‌های ایران را دربربگیرد، آبنام‌ها را به صورت زیر دسته‌بندی می‌کنیم. یعنـی

آبنام‌های مختلف ازنظر ساخت و عناصر تشکِل دهنده لغوی آن به صورت‌های زیر مـورد استفاده هستند:

۱. آبنام‌های تک جزئی[1]

۲. آبنام‌های دوجزئی[2]

۳. آبنام‌های چندجزئی[3]

آبنام‌های تک جزئی	آبنام‌های دو جزئی	آبنام‌های چند جزئی
کارون	سپیدرود	دلوار قوچ خوس
کر	زاینده رود	دار رزن کان کئور
کرخه	جاجرود	دلوار بابا منیر
هراز	قوری کل	روبند عمرشاه
طغرل	چشمه شاه	هنام کاکا رضا
قتور	چم لاوین	گرمامیر حاج علی
کمبول	کال افغانی	درهٔ قاضی کوچک
قینرجه	رود جراحی	خیره مسجد چای
اوجان	رود کرج	چم شیخ رواس
جوشان	آب نیزه	اوزون دره گویچه قیه
عوضی	رود بار	تک آب چاه زرد
چلبی	رزانچای	شاه بلاغ ارامنه
ریحان	زنجانرود	چم اخته سوره

جدول ساختاری آبنام‌های ایران

1. Single Component Hydronyms
2. Dual Component Hydronyms
3. Multi Component Hydronyms.

۱.آبنام‌های تک جزئی

به آبنام‌هایی اطلاق می‌گردد که از یک کلمه تشکیل شده‌اند. تعداد این اسامی در میان آب‌نام‌های ایران دارای کمیت قابل توجهی است. این‌گونه اسامی در ابتدای شکل‌گیری به صورت دوجزئی به کار برده می‌شدند، سپس به مرور زمان به دلیل استفاده مکرر و فراوان، جزء دوم آنها حذف و صرفا به صورت یک کلمه به کار رفته‌است. این اسامی بیشتر شامل دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و عوارض حجیم می‌شوند. در اکثر موارد، جزء اول این نوع اسامی **اصطلاح هیدروجغرافیایی**[1] بوده‌است. اصطلاح هیدروجغرافیایی کلماتی را گویند که معرف نوع مورد آبی هستند. در آبنام‌های ایران هنوز هم این‌گونه کلمات دیده می‌شوند؛ مانند چشمه، رود، نهر، آب، آبگرم، قنات کال، چم، چال، سو، بند، کاریز، کهریز، چای، جوی، بولاق و ....

دربرخی موارد اصطلاح هیدروجغرافیایی به منظور تفکیک آبنام ازسایر اسامی جغرافیایی تک جزئی با پیوستن به جزء دوم استفاده می‌شوند. در این‌گونه موارد کلمه معرف درابتدای آبنام قرار می‌گیرد؛ مانند رودخانه دماوند (کوه دماوند، شهردماوند)، رودهراز (جاده هراز، کوه هراز). در این گونه اسامی اصطلاحات جغرافیایی رود، رودخانه، کوه، جاده و شهر به صورت مضاف بوده و با کسره تلفظ می‌شوند. این نوع اسامی را در توپونیمی **توپونیم‌های مشابه**[2] می‌نامند.

ریخت‌شناسی[3] آبنام‌های تک جزئی

اسامی تک جزئی از نظر ریخت‌شناسی دستوری و ماهیت واژه‌های استفاده شده به‌عنوان آبنام به انواع مختلف تقسیم می‌شوند. مشاهدات نشان می‌دهد که در بین آبنام‌های تک جزئی از اسم، صفت و اسم فعلی استفاده شده است. البته باید درنظر گرفت که استفاده از این واژه‌ها بدون در نظر گرفتن نوع آن است؛ یعنی این کلمات

1. Hydrogeogrphicl Formant
2. Homotoponyms
3. Morphology

صرفاً به عنوان اسم استفاده می‌شوند و نوع آنها از نظر مورفولوژی هیچ ارتباطی با کاربرد آنها ندارد.

آبنام تک جزئی اسم	آبنام تک جزئی صفت	آبنام تک جزئی اسم فعلی
کارون	قتور (Qotur)	ریزان
شتران	فراخ	جوشان
ونک	شیرین	کفرآور
سنگ	سفید	اوچان (Uçän)
طغرل	لاغر	قلیان (جوشانQalyän)
عرب	نمکی	قینرجه (Qeynarca جوشان)
سلمان	سیمین	آیدوغموش (Äydoğmuş)
کاووس	کلان (Kalän)	اوان (Ovan)
ریحان	عوضی	چاپان (Çäpän)

جدول ساختار صرفی آبنام تک جزئی

۱. آبنام‌های متشکل ازاسم

این نوع اسامی از نظر کمیت، تعداد قابل توجهی هستند. برخی ازاین اسامی اسم خاص بوده و معرف نام، لقب، تخلص و کنیه اشخاص است و گروه دیگر تنها اسامی عام هستند، مانند طغرل(Toğrol)، چلبی (Çalbi)، شیرین(۵)، چلیک (Çalik)، دز (Dez)، دلبر (Delbar)، زهار (Zohär)، کرند (Karand)، ریحان (Reyhän)، روبه (Rubah)، رامیان (Rämyän)، ریسو (Risu)، روس (Rus)، فدوک (Faduk)، شط (Şat)، گشکان (Gaşkän)، شیر(Şir)، شریفی، شتران (Şotorän)، ونک، کل، شاهپور، سوغان (Soğän)، سمنان، عرب، شیشه، سماق، نمکزار، هراز، سنگ، زرشک، سلمان، کی‌کاووس.

قابل توجه است که بدانیم در این اسامی میان مفهوم کلمه انتخاب شده و ماهیت آبنام ارتباط مستقیمی وجود دارد.

۲. آبنام‌های متشکل از صفت

این نوع آبنام‌ها اگرچه از نظر کمیت قابل توجه نیستند، اما در بین آبنام‌های ایران دیده می‌شوند و معنی صفت به کار رفته با ویژگی مورد آبی همسویی دارد؛ مانند فراخ، زرد، قتور (Qotur)، کمبول(Gömbol)، شیرین، کلان، لاغر، شور[۱](۸)، سیاه (۶)، نمکی، سفید(۴)، شیدا (Şeydä)، سیمین (Simin)، قینرجه (Qeynarca) (۲)، سیمینه (Simine)، هار (Här)، عوضی (Avazi).

اندکی توجه به مفهوم اسامی نشان می‌دهد که در اکثر آبنام‌ها واژه گزینه شده تصادفی نبوده و به نوعی با مفهوم آبنام مرتبط است. دراینجا شکل ظاهری، طعم آب، ماهیت فیزیکی، حجم، شدت و سرعت، شباهت، مفهوم مجازی، موقعیت مکانی، نوع کشت و محصولات منطقه و بسیاری مفاهیم دیگر دلالت بر انتخاب واژه دارد. در فصول بعدی، انواع مفاهیم درآبنام‌ها مورد بررسی قرارمی‌گیرد.

۳. آبنام‌های متشکل ازاسم فعلی

این نوع آبنام‌ها نسبت به سایر انواع آن تعداد کمتری هستند و حالت یا شکل دینامیک جریان آب را نشان می‌دهند؛ مانند ریزان(Rizän)، آید وغموش (Äydoğmuş)، جوشان(۲)، اوان(Ovän)، کفرآور، اوچان(Uçän)، قلیان (Qalyän)، قینرجه (Qeynarca) (درزبان ترکی به معنی جوشان).

برخی از اسامی تک جزئی دارای جزء جدایی ناپذیری هستند که **توپوفورم**[۲] نامیده می‌شود. توپوفورم قسمتی از آبنام است که در ساختار صرفی زبان آن توپوفورم به صورت پیشوند یا پسوند مورد استفاده قرارمی‌گیرد. این پسوندها در شکل‌گیری آبنام‌ها نقش جداگانه‌ای ندارند و در درون آبنام به عنوان یک جزء جدایی ناپذیر کلمه به کار می‌روند. پسوندها و پیشوندهای توپوفورم موجود در ساخت یک آبنام، قابل جداشدن

۱. این آبنام درمناطق ترک زبان şor و درمناطق فارس زبان şur تلفظ می‌شود.

2. Topoform

از آن نیستند و درصورتی‌که از آبنام جدا شوند آن آبنام مصداق خود را از دست می‌دهد. در برخی از زبان‌ها مانند زبان انگلیسی علاوه بر پیشوند و پسوند به میانوند نیز برمی‌خوریم. توپوفورم‌های موجود درآبنام‌های ایران به صورت زیر مشاهده می‌شوند:

۱. پسوندهای توپوفورم

مشاهدات نشان می‌دهد که پسوندهای توپوفورمیک زیر در آبنام‌های ایران به کار رفته‌اند. البته استفاده از این پسوندها در اسامی نه به صورت یک واحد مستقل دستوری، بلکه به عنوان بخش جدایی ناپذیر آبنام است. برخی از پسوندهای رایج در آبنام‌های ایران عبارتند از ـ ان، ـ ک، ـ داد، ـ ستان،- لاق، ـ زار، ـ لر(- لار)، ـچی، ـ لو مانند شهداد (Şahdäd)، قشلاق (Qışläq,Qeşläq)، آجرلو (Äcırlı)، دزگاه (Dezgäh)، دستجرد (Dastcerd)، هیسکان (Hiskän)، دستگرد (Dastgerd)، گیلان (Gilän)، گیلوان(Gilvän)، لارستان(Lärestän)، لردگان (Lordegan)، یونجه لی (Yoncälı)، یپراقلو (Yäpräqlı)، آلمالو(Älmälı)، قازان (Qäzän)، بله جوک (Beylacük)، کانی‌رش (Känıraş)، شاختلو (Şäxtälı)، سماج (Sumäc)، زنگاون (Zangävən)، کرزچی (Kürzaçi)، سمبور (Sämbur)، شیروان (Şirvän)، شهجونج (Şahcunac)، چقلیق (Çaqlıq)، پیسلر(Pislar)، گولموچک (Gölmacak)، نمکزار، زنگلانلو (Zənganlı)، زنگبار (Zangibär)، زنگمار(Zangimär)، زنگلی(Zangali)، دیزج (Dizac)، سملقان (Səməlqän)، سنگون(Sangun)، بالقلو (Bälıqlı)، سوقانچی (Soqänçı)، عروسان.

برخی از پسوندها دارای مفهوم جغرافیایی، مکانی و توپونیمیکی هستند. برای مثال پسوند- ستان و - ان در اسامی مفهوم مکان را می‌رساند؛ مانند کردستان، بلوچستان، لارستان. برخی از این پسوندها وجود چیزی یا فراوانی محصول کشاورزی یا سایر مواد را بیان می‌کنند؛ مانند آلمالو، نمکزار که پسوند اولی (لی و لو) در زبان ترکی و پسوند دومی(زار) در زبان فارسی مترادف بوده و به معنای پر از درخت سیب و پر از نمک هستند. البته معنی پسوندها در کاربرد توپونیمی و هیدرونیمی با مفهوم آنها در

سایر حالت‌های دستوری و جاها متفاوت است. پسوندها به طور وسیع در آبنام‌های ایران مشاهده می‌شوند.

۰۲ پیشوندهای توپوفورم

مشاهدات ما نشان می‌دهد که در آبنام‌های ایران پیشوندها نیز به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر اسامی موردهای آبی مورد استفاده قرار می‌گیرند. برخی از پیشوندهای رایج درآبنام‌های ایران عبارتند از با، بی، پیش، پس مانند باکوه (Bäkuh)، بی‌بیان (Bibayn)، پسرود (Pasrud)، بی‌منجگان (Bimancegän)، بیلو (Bilu)، پیشامگ (Pişämak)، پیش‌رودبار (Pişrudbär).

پیشوندها نیز مانند همتایان پسوند خود به طور تصادفی در واژه‌ها وجود ندارند و در بیشتر مواقع در انتخاب کلمه به عنوان توپونیم یا آبنام، نقش اصلی را دارا هستند. برخی از پیشوندها دارای مفهوم مکانی هستند و برخی دیگر عدم فراوانی یا عدم وجود خصوصیتی را در یک آبنام نشان‌می‌دهند و دلیل انتخاب آنها به عنوان آبنام نیز همین ویژگی معنایی آنهاست.

آبنام‌های دوجزئی

آبنام‌های دوجزئی به هیدرونیم‌هایی اطلاق می‌گردد که در آنها از دو کلمه یا واژه مستقل استفاده شده است؛ مانند سپیدرود (Sepidrud)، زاینده‌رود(Zäyanderud)، سد کرج، سدلتیان، لاخم پیچ(Läxompiç).

اسامی دوجزئی از نظر نوشتاری دو دسته هستند: گروه اول، اسامی که باید به هم چسبیده نوشته شوند و نباید فاصله میان دو جزء آن باشد. دراین نوع اسامی جزء دوم در اکثر مواقع اصطلاح هیدروجغرافیایی یا اصطلاح جغرافیایی است. گروه دوم، اسامی دوجزئی که دو جزء آن نباید چسبیده نوشته شوند. در این نوع اسامی برخلاف گروه اول اصطلاحات جغرافیایی و هیدروجغرافیایی در بخش اول واقع می‌شوند.

آبنام دوجزئی چسبیده	آبنام دوجزئی جدا از هم
سپیدرود	قناتِ کوثر
جاجرود	آبِ سردار
دریاسر	رودِ کرج
زاینده رود	چشمه آقبولاق (Çeşme ăğbulăğ)
آقچای (Ăğçăy)	قنات خانم گلی (Qanat xanım göli)
ساریسو (Särısu)	قنات علی خاتون (Qanat âlixatın)

جدول نگارش آبنام‌های دوجزئی

بررسی‌های زبان‌شناسی نشان می‌دهد که روند حرکت اسامی از گروه دوم به سمت گروه اول است؛ یعنی اسامی‌که از دو جزء به‌وجود آمده‌اند، ابتدا به صورت جدا ازهم تلفظ و نوشته می‌شدند، سپس این اسامی به‌صورت چسبیده به هم و به عنوان یک اسم مرکب به کار رفته‌اند. بررسی تطبیقی توپونیم‌ها و آبنام‌های ایران نشان می‌دهد که آبنام‌ها در ابتدای شکل‌گیری و گزینش اسم معرف یا اصطلاح جغرافیایی که نوع عارضه را نشان می‌دهد به‌همراه اسم به کار می‌رفته‌اند. بعدها برخی اسامی به علت کاربرد بیشتر و عدم نیاز به استفاده از اصطلاح جغرافیایی اصطلاح مذکور حذف، و آن نام بتنهایی به کار رفته است؛ مانند دجله (Decle)، فرات (Fart)، ارس(Aras)، کارون (Karun)، کرخه (Karxe)، اترک (Atrak)، تجن (Tacan)، کر (kor)، هیرمند (Hirmand). در برخی اسامی جزء دوم به جزء اول چسبیده و به‌صورت یک اسم مرکب به‌کار می‌روند؛ مانند سپیدرود، ساریسو (Särısu)، آقچای(Äqçäy)، زاینده‌رود، جاجرود (Cäcrud)، هلیلرود (Halilrud).

اصطلاح جغرافیایی که نوع عارضه را نشان‌می‌دهد اغلب برای تمیز یک آبنام از سایر توپونیم‌ها و اسامی جغرافیایی به اول آنها اضافه می‌شود. این اصطلاح نباید به کلمه بعدی بچسبد و همیشه باید جدا نوشته شود. گاهی ترکیبات نامانوسی نیز دراین میان دیده می‌شوند؛ مانند رودِ زاینده رود، رودِ آقچای، رودِ سپیدرود، رودِ سیاهرود.

آبنام‌های دو جزئی را با توجه به وجود واژه‌های گوناگون در ترکیب آن به چند گروه به صورت زیر تقسیم می‌کنند:

۱. آبنام حاوی اصطلاح هیدروجغرافیایی

۲. آبنام حاوی اصطلاح جغرافیایی

۳. آبنام بدون اصطلاح

آبنام دوجزئی دارای اصطلاح هیدروجغرافیایی	**آبنام دوجزئی با اصطلاح جغرافیایی**	**آبنام دوجزئی بدون اصطلاح**
کالرود	آلوچال	بابا احمد
اورگانچای	اوزوندره	کروسی کئور
قلعه چای	تنگل گور	گی مُرد
ولمرود	کوه پست	لاک تراشان
لنگرود	سفیدباغ	لجام گیر
موسی نهر	کریم آباد	مشهد محمد
بندقتور	کرم بخش	ملاروبا
تول چشمه	بتاهرکلا	موجاگوش
تاش بلاغ	دیوآسیاب	سیاه کور

جدول آبنام‌های دوجزئی به همراه اصطلاحات جغرافیایی

۱. آبنام دوجزئی که یک جزءآن اصطلاح هیدروجغرافیایی است.

در این اسامی اصطلاحات هیدروجغرافیایی مانند تالاب، گل، رود، گـؤل، چشـمه، آب، سـیلاب، چـم، کـال، بـلاغ، سـو، چـایلاق ، چـای، آبگـرم، نهـر و... بخـش دوم را تشکیل‌می‌دهند. این نوع اصطلاحات که می‌تواند به زبان‌هـای گونـاگون رایـج در کشـور

باشد به بخش اول می‌چسبند و نباید جداگانه نوشته شوند؛ مانند جاجرود (Cäcrud)، دوآب (Dob)، سه‌سنگ (Sesang)، اهرچای (Aharçäy)، ساوه چایلاق (Säve çäyläq)، قوریگل (Qürigöl)، تاشبلاغ (Täşbuläğ)، شط‌العرب (ŞateArab)، تخته یورد (Täxtäyurd)، سووقسو (Sävuqsu)، میرجان سویی (Mircan suyi)، سرچشمه (Sarçeşme)، باهوکلات (Bähukalät)، هفت‌چشمه (Haftçeşme)، نهراعظم (Nahre azam).

در برخی آبنام‌ها یک جزء اصطلاح هیدروجغرافیایی و جزء دوم اصطلاح جغرافیایی هستند. این نوع اسامی را بیشتر در مناطق غیرفارسی زبان می‌توان دید؛ مانند گرمچای (Garmçäy)، کال‌آلبلاغ(Käle älbuläğ)، کال تجرود(Käle tacrud).

درصورتی که اصطلاح هیدروجغرافیایی مثل رود، چشمه، چم، آبگرم، کال در آبنام‌های دو جزئی یا چند جزئی قبل از بخش نخست قرارگیرد، باید به صورت اضافه تلفظ شود؛ مانند رودِ کرج، رودِ سپیدرود، رودِ زاینده‌رود، رودِ نکا، چشمهٔ شاه، رودِ جراحی(Rude carähi)، چشمهٔ عین الرشید، چشمهٔ شفا، آبگرمِ باشکندی (Äbgarme bäşkandi)، آبگرمِ بستان آباد، آبگرمِ گنرال(Äbgarme generäl)، کالِ بزرگ (Käle bozorg)، کالِ باغ قره (Käle bäğeqara)، چمِ کوران (Çame kurän)، چمِ کس نزان(Çame kasnazän)، کالِ افغانی، چمِ لاوین، چمِ مرخوز(Çame marxuz).

در برخی ازآبنام‌ها اصطلاح هیدروجغرافیایی چشمه در اول آبنام می‌آید و به صورت اضافه تلفظ نمی‌شود؛ مانند چشمه اعلا(Çeşmeaâl). این‌گونه اسامی که تعداد آنها بسیار اندک است، اسم مرکب هستند و نباید جدا نوشته شوند.

در برخی مناطق کشورمان با توجه به بافت دستوری زبان‌های رایج در آن مناطق اصطلاحات جغرافیایی در ابتدای اسم قرارمی‌گیرند. این اسامی بیشتر در مناطق کرد زبان، طوالش، استان گیلان و مازندران دیده می‌شوند؛ مانند آب باریک (Äbbärik) (رود)، آب پرومه (Äbperume) (رود)، رودبار (Rudbär) (رود)، آب نیزه (Äbneyze)، آبشور (Äbşur) (رود)، رود خشکه کلالی(Rudxoşke kaläli)

(رود)، رودشور کدکن (رود)، آب شیرین (رود)، آب گوگردی (چشمه)، آب سیاه (چشمه) (Äbsiyäh)، چشمه اعلا(چشمه - دماوند).

در مناطق ترک زبان نیز برخی از اصطلاحات هیدروجغرافیایی را قبل از جزء اصلی ثبت نموده‌اند که از نظر دستوری اشتباه فاحش است و باید بعد از نام اصلی نوشته شوند؛ مانند چای رزان(رودِ رزان)، چای ساریک (رودِساریک)، چای قره تپه (رودِ قره تپه). به‌طورکلی در همه اسامی جغرافیایی ترکی کلیهٔ اصطلاحات هیدروجغرافیایی مثل چای، چایلاق (çäyläq)، بلاغ(bulăğ)، دنیز(daniz)، کهریز(kahriz)، گؤل(göl)، سو (su)، آرخ(Ärx) و چشمه بعد از جزء اول می‌آیند؛ مانند ایسسی سو(İssi su). نمونه‌های فوق نشان می‌دهد که آب‌نام‌های ذکرشده ترجمه شده‌اند و شکل درست آنها به‌صورت رزانچای (Razançäy)، ساریکچای(Särikçäy)، قره تپه چای (Qaratapaçäy) است.

۲. آبنام‌های دوجزئی که یک جزء آن اصطلاح جغرافیایی (معرف سایر عوارض) است.

این آبنام‌ها اغلب از یک توپونیم موجود گرفته‌شده‌اند. در این نوع اسامی اصطلاحات جغرافیایی مانند شهر، کوه، دره، دشت، تنگه، بالا، پایین، سفلی، علیا، قلعه، یوخاری(yuxärı)، اورتا (ortä)، آشاغی(äşäğı)، قمیش (qamış) و ... بدون توجه به معنای واقعی آنها به عنوان بخش اول یا بخش دوم مورد استفاده قرارمی‌گیرند. اصطلاحات جغرافیایی در این اسامی معرف نوع عارضه نیستند. مشاهدات نشان‌می‌دهد که اصطلاحات جغرافیایی مربوط به سایر زبان‌های رایج در ایران نیز در شکل‌گیری و انتخاب آبنام‌ها نقش دارند. بیشتر آبنام‌های مشابه یا مترادف از این نوع هستند. آبنام رایج با توجه به اصطلاح جغرافیایی آن به دو دسته هستند:

الف. آبنام دوجزئی با اصطلاحات جغرافیایی خاص مناطق مسکونی

ب. آبنام دوجزئی با اصطلاحات جغرافیایی خاص پستی و بلندی‌ها

آبنام با اصطلاح اویکونیم	آبنام با اصطلاح اورونیم
قلندرآباد	دره غار
دره‌شهر	دره‌شهر
سلطان میدان	فیروزکوه
رحمت‌آباد	چاه متک
قلعه زرد	نوغون دره
عشایرییلاقی	تنگه چال
تنگ کوشک	گرمابدشت
چاه کند	دشت پلنگ
چم آقکند	هزارمیشه
شهرچای	چاه اعلا

جدول هیدرواویکونیم و هیدرواورونیم

الف. آبنام‌هایی که بخشی ازآنها از **اصطلاحات اویکونیم**[1] (نام مناطق مسکونی) مانند ده، شهر، کند، قلعه، آباد، ییلاق، قشلاق، اوبا، روستا و ... درست شده‌اند و درآنها این نوع اصطلاحات به‌کاررفته است. این اصطلاحات جغرافیایی یا معرف نام یک منطقه مسکونی هستند، یا در آنها واژه‌ها یا پسوندهای خاص اسامی مناطق مسکونی مانند شهر، ده، کلا (kolä)، آباد، قلعه، ستان، کلات(kalät) و ... به کاررفته است؛ مانند شهر نو(۲)، شهرچای (Şaharçäy) (۲)، ده سیدها، ده شیخ، ده محمدشاه، ده میرزایی، ده‌ملک، ده کهنان، شهرستانک، طالقان رود، صلوات‌آباد، علی آباد(۳)،

1. Oikonym or Oykonym

عشایر ییلاقی، قلندرآباد، قلعه بید، قره‌قشلاق (Qaraqışläq) (تالاب)، قلعه پدا، قلعه چای (۲)، قلعه دنه، قلعه واقی، قلعه موئی، قلعه سیستان و قلعه زرد.

ب: آب‌نام‌هایی که بخشی ازآنها از **اصطلاحات اورونیم**[1] (پستی و بلندی‌ها) یا از واژه‌های مخصوص اورونیم‌ها مانند دشت، صحرا، دره، کوه، تپه، کتل، داغ (däğ)، چول(çöl)، صحرا، چم، دوز (düz) و ... درست شده‌اند. آبنام‌هایی که در آنها این نوع اصطلاحات به کار رفته‌اند عبارتند از: سبزکوه (رود)، سپیددره (رود)، تنگل قلعه جوق (Tangale qäläcıq) (رود)، درهٔ گلال (رود)، درهٔ مرغ خوان (رود)، کلاتهٔ احمد (رود)، کوه پست (رود)، کوه سیاه (رود)، کبوتردره (رود)، کرکل دره (رود) دشت پلنگ، دشت روم، دشت هور.

۳. آبنام‌های دوجزئی که هیچ‌کدام از اجزاء آن از اصطلاحات جغرافیایی یا هیدروجغرافیایی نیست.

این نوع اسامی ازنظر تعداد کمتر از سایر اسامی هستند و تعداد قابل توجهی را تشکیل نمی‌دهند، زیرا تلفظ اسامی مرکب پیچیده است و زبان‌ها به‌راحتی بیان تمایل بیشتری دارند؛ مانند سور دزگیلی (Sure dazgili) (رودخانه)، سنگ‌سیاه (رودخانه)، گاوخونی (باتلاق)، زاب کوچک(رود)، علی ظهوران، قاضی کئور(Qäzi gäur)، قره چریان (Qara çaryän)، کند حصار(Kandhäsär)، کنه‌کبود(kane kabud)، لاخم‌پیچ (Läxom piç)، مزار گزیک (Mazär gazik)، منزن کائور (Manzan gäur).

آبنام‌های این گروه از نظر املایی دو نوع هستند: دسته اول، اسامی که باید به هم چسبیده نوشته شوند؛ مانند سعدآباد (رود)، بادکُش (Bädkoş) (رود)، سربند (Sarband)، برادوست (Barädust) (رود)، خوفنام (Xofnäm). دسته دوم، اسامی که باید جداازهم نوشته شوند؛ مانند کرم بخش (رود)، موجا گوش(Mucä guş)، ایزد خواست (Izad xast)، قاضی کئور (Qäzi gäur)، کاکارضا (Kākä Rezä)، کروسی کئور (Karusi gäur).

1. Oronym

ریخت‌شناسی آبنام‌های دوجزئی

آبنام‌های دو جزئی از نظر ریخت‌شناسی و حضور واژه‌های گوناگون یک زبان به چند گروه تقسیم می‌شوند:

آبنام دوجزئی اسم + اسم	آبنام دوجزئی اسم + صفت	آبنام دوجزئی اسم + قید
کلیبرچای	آب باریک	تنگ جلو
تخته یورد	زاب کوچک	آب مسلخ
بابااحمد	گدار خوش	زو پایین
شیرمرغ	گدار پهن	سهند پایین
عسلشاه	گورسفید	ده بالا
علی طهوران	گاو کج	کته پشت
کروسی کئور	قوش عظیم	ده وسطی

جدول ساختارصرفی آبنام‌های دوجزئی

۱.آبنام‌های دوجزئی مرکب ازاسم + اسم

این نوع اسامی بیشتر آبنام‌هایی هستند که در آنها یا اصطلاح جغرافیایی به‌کارنرفته، یا اصطلاح جغرافیایی همیشه به عنوان جزءدوم به کاررفته است؛ مانند دزکرد (Dezkord)، شاه ولی(Şähvali)، شیرمرغ(Şiremorğ)، دلوارگلگاه (Delväre golgäh)، عسلشاه(Asalşäh)، سلطان میدان (Sultänmeydän)، علی‌ظهوران(Alizahurän)، کروسی‌کئور(Karusigäur)، گیلال‌کورگه(Giläl kurge)، امامزاده اسماعیل، میرسعیدی(Mirsaidi)، سجادرود، گنگررود (Gangarrud)، کولوک قلعه(Kulluk qala)، تخته یورد(Taxtayurd)، کلیبرچای(Kaleybarçäy)، سجاس‌رود(Sacäsrud)، الموت‌رود، النق چای(Alnaqçäy)، التماس‌دره‌سی

(Iltimäs darasi)، اروندرود (Arvandrud)، اسکوچای (Usäguçäy)، ارموت ارگیـل (Armutargil).

کلیهٔ آبنام‌های دوجزئی ترکی بویژه آن اسامی که جزء دوم آنها اصطلاح جغرافیایی یا هیدروجغرافیایی است به این دسته تعلق دارندو براساس قواعد نوشتاری زبان ترکی و زبـان آذربایجـانی بایـد چسـبیده نوشـته شـوند. بنـابراین ثبـت آبنـام‌هـای آجـی چـای(Äcıçäy)، آری چـای (Ärıçäy)، یکـان چـای (Yekänçäy)، اوزون دره(Uzundara)، قازان چای (Qäzänçäy) و ... اشتباه است. در زبان‌های ترکی این نوع اسامی جزء ترکیب‌های نوع اول، یعنی از سه نوع ترکیب موجود در این زبان‌ها بـوده باید به هم بچسبند.

همچنین، درترکیب‌هایی که فاقد اصطلاح جغرافیایی هستند کلمات بایـد بـه هـم چسبیده و به صورت اسم مرکب نوشته شوند. نگاهی به کتب اسـامی جغرافیـایی نشـان می‌دهد که در این مورد فرهنگ‌های ما دارای نظام واحدی نیستند و این‌گونه اسامی بـه صورت سلیقه‌ای ثبت می‌شوند. برای مثال نام‌های جغرافیـایی چهارکـال (Çähärkäl)، چهل گـذر(Çelgozär)، آسـیاب رود، افراتختـه (Afrätaxte)، چیخـواب (Çixäb)، علی‌زان (Âlizän)، بابامنیر(Bäbämonir)، کروسی کئـور، گامشـاندر (Gämşändar)، بابا احمد، ایراندگان (Irändegän) برخی بـه‌هـم چسـبیده و برخـی جداگانـه نوشـته شده‌اند.

۲.آبنام‌های دوجزئی مرکب از اسم + صفت

در این اسامی بخـش اول بایـد بـا کسـره اضـافه تلفـظ شـود؛ ماننـد آبِ باریـک (Äbe bärik) سنگِ سیاه، کمِ سفید، کوهِ سیاه، زابِ کوچک، گورسفیدِ، آبِ جوش، آبِ تلخ، گاوِکج، گدارِ پهن، گدارِ خوش.

برخی ازآبنام‌های این گروه بدون کسره تلفظ می‌شوند. این‌گونه اسامی متعلـق بـه زبان‌های غیرفارسی و محلی هسـتند. ایـن نـوع اسـامی در منـاطق گـیلان، مازنـدران و مناطق کرد زبان و ترک‌زبان بیشتر مشاهده مـی‌شـوند؛ ماننـد آب سـفید(Äbsefid)،

قـوش عظـیم(Quşazim)، قلعـه‌وش(Qalevəş)، قنـاق قیـران(Qonaqıra)، قطـار بلاغی (Qätärbuläğı)، قطار النگ(Qatäre alang).

۳.آبنام‌های دوجزئی مرکب ازاسم + قید

تعداد این نوع اسامی کمتـر از سـایر گروههاسـت. در ایـن نـوع اسـامی، جـزء دوم موقعیت مکانی آبنام را نشان می‌دهد. اکثر این اسامی به‌صورت موازی استفاده می‌شـوند و جزء اول مشترک بوده و جزء دوم محل قرار گرفتن آبنام را نسبت به آبنام مشابه خود نشان مـی‌دهـد؛ ماننـد آب مسـلخ، تنـگ جلـو، کاسـیان پـایین (Käsiyän päyin)، کته‌پشت (Kote poşt)، زو پایین، سهند پایین، شایع پایین، ده بالا، ده وسطی.

آبنام دوجزئی صفت + اسم	آبنام دوجزئی قید + اسم	آبنام دوحزئی قید + صفت
تلخاب	پشت رود	پا شوران
شورسو	پس رود	پا سفیدان
شیرینبولاق	بالا جاده	پشت تنگ
ایستی سو	پا طاق	پشت پر

جدول ساختارصرفی آبنام‌های دوجزئی

۴.آبنام‌های دوجزئی مرکب ازصفت + اسم

بیشتر آبنام‌های مناطق ترک زبان یا اسامی‌ای که منشاء آنها زبان ترکی است ازاین نوع هستند. اما در سایر مناطق ایران نیـز بـه ایـن گـروه از اسـامی بـرمـی‌خـوریم، ماننـد تلخـاب(۷)، تلخـرود، تلخـه رود، تـک چـاه، ترشـاب (۳)، آقجـه‌رود (Äğcärud)، دلـی‌چـای(Daliçäy)، شـیرین‌رود (Şirinrud)، سـاری سـو(Särısu)، زیلبیـر چـای(Zilbirçäy)، گردبیشـه (Gordbişe)، گـرم چـای، گـرم رود، قـاراکهریز (Qäräkahriz)، شورسو(Şorsu)، شورچای (Şorçäy)، شوراب(Şuräb) (۷)، ایستی

سو (İstisu)، بیوک چای(Böyükçäy)، کج کال(Kackäl)، زرین گل(Zərringöl)، قرنقوچای (Qäränquçäy)، زردآب، زرینه رود.

۵.آبنام‌های دوجزئی مرکب ازقید + اسم

تعداد این آبنام‌ها کمتر از سایر انواع دیگر است؛ مانند پسرود (Pasrud)، بالارود (Bälärud)، پایین در، پشت پیر (Poştpir) (پیر در اینجا به‌معنای محل مقدس است)، پشتگر، پاطاق (Pätäq)، پشترود (Poştrud)، بالاجاده، بالارود، پایین شهر.

۶.آبنام‌های دوجزئی مرکب از قید + صفت

این نوع آبنام‌ها نسبت به سایرین کمتر مشاهده می‌شده و جزء اول موقعیت مکانی آبنام را می‌رساند؛ مانند پاشوران(Päşurän) (پا یا پای محل قرارگرفتن)، پشت‌پُر(Poştpor)، پاسفیدان (Päsefidän)، پشت تنگ (Poştetäng).

آبنام‌های چندجزئی

برخی از آبنام‌های ایران که تعداد آنها در بین اسامی موردهای آبی دارای تعداد کمتری است، اسامی سه یا چند جزئی‌اند؛ مانند دلوار پیرسرخ (Delvare pire sorx)، دلوارکوه سیاه (Delvare kuhe siyäh)، دو دره‌گزنان (Do darre gaznän)، آب دره‌کمران (Äb darre kamrän)، آب دو آب، چم‌هاله کوکان (Çame häle kukän)، آب‌دره گاومیشی، آب دره کولاه، سعیدآباد چای، امیر دیزه‌چای (Amirdiza çäy)، چم‌شیخ رواس، قره‌آغاج‌چای (Qaraäğäc çäy)، سیاه آب‌آدران (Siyäh äbdarän)، آب تنگ دز، کال پنج چاهی، اسب نیزه رودبار، گلال چم خره پالنگان (Gall çame xare pälangän)، کال چاه محمدخان، کال چشمه سفید، کال خواجه انجیره، کال دره جین آباد، گلال چیقاچلام (Gall çiqä çaläm)، آب سیاه پلاس (Äbe siyähe paläs)، آب مشک عنبر (Äbe moşke anbar) و ....

این اسامی به دو گروه تقسیم می‌شوند: اسامی‌ای‌که دارای اصطلاح جغرافیایی بوده و اسامی‌ای که فاقد اصطلاح جغرافیایی هستند.

آبنام چند جزئی با اصطلاح جغرافیایی	آبنام چند جزئی بدون اصطلاح جغرافیایی
آق بلاغ چای	دلوار قوچ خوس
تک آب چاه زرد	دلوار بابا منیر
تلخه رود زنجان	دلوار پیر سرخ
آب مدام آباد	دربند ارغوان شاه
شاه بلاغ ارامنه	هنام کاکا رضا
تک کوه سفیدک	روبند عمرشاه
اوزون دره گویچه قیه	دار رزن کان کئور
تنگ بهرام کش	گرمامیر حاج علی

جدول آبنام چندجزئی و اصطلاحات جغرافیایی

۱. آبنام چندجزئی که یک یا دو جزء آن اصطلاح جغرافیایی است.

اسامی جغرافیایی چند جزئی در کلیه مناطق کشور دیده می‌شوند. این نوع اسامی از نظر شکل‌گیری نسبت به سایر اسامی متاخرتر و جدیدتر هستند. در اینجا اصطلاح هیدرو جغرافیایی یا جغرافیایی می‌تواند در بخش اول، دوم و یا سوم قرار گیرد، مانند آب‌مدام‌آباد (Äbe modäm äbäd)، آق بلاغ چای (Äq buläğ_çäy)، اوزون دره گویچه قیه (Uzun darə göyca qaya)، تک آب چاه زرد، تک کوه سفیدک، تلخه‌رود زنجان، تنگ دشت بهمن، تنگ بهرام کش (Tange bahräm koş)، چم اخته سوره، شاه بلاغ ارامنه (Şähbuläğ arämene).

در برخی ازآبنام‌های چندجزئی اصطلاحات هیدروجغرافیایی مترادف با دو منشاء زبانی مختلف مورد استفاده هستند؛ یعنی در یک واحد هیدرونیم دو اصطلاح مشابه ولی به دو زبان مختلف در کنار هم یا باهم به کار رفته است؛ مانند چای خررود

(Çäye xarrud) (رودی در قزوین و درساوه)، آبگرمِ ایسی سو(Äbgarme issi su)، چشمهٔ شور بلاغ (Çeşmeye şorbulăğ). دراینجا اصطلاح چای با رود چشمه با بلاغ و ایسی سو با آبگرم مترادف است. در بعضی اسامی چندجزئی دواصطلاح هیدروجغرافیایی یا جغرافیایی مربوط به یک زبان دیده می‌شود؛ مانند چینی بلاغ چای(Çini bulăğ çäy)، تنگ دشت بهمن(Tange daşte bahman).

۲.آبنام چندجزئی که هیچ یک ازاجزاء آن اصطلاح جغرافیایی نیست.

در میان آبنام‌های ایران اسامی چندجزئی فاقد اصطلاح هیدروجغرافیایی یا جغرافیایی کمتر دیده می‌شوند؛ مانند دلوار قوچ خوس (Delväre quçe xus)، روبندعمرشاه (Rubande omarşäh)، دلوار پیرسرخ، دار رزن کان کئور (Däre razan kän gäur)، دلوار بابا منیر، دربند ارغوان شاه، هنام کاکا رضا (Honäme käkä rezä)، گرمامیرحاج علی (Garmämire häc âli).

ریخت‌شناسی آبنام‌های چندجزئی

آبنام‌های چندجزئی به دلیل عدم امکان ترکیب عناصر مختلف صرفی دارای تنوعات گوناگون نیست و ترکیباتی مثل قید + قید + قید یا صفت + صفت + صفت امکان‌پذیر نیست. رایج‌ترین نوع ترکیب اسم + اسم + اسم یا صفت + اسم + اسم و یا اسم + اسم + صفت است؛ مانند دلوار بابامنیر، خیره مسجدچای، چم شیخ رواس، دره قاضی کوچک، سیل‌مال گنداب، سیاه مرز کوه، کال شور پایین جام، کال شور تکاب، کال شش دونگ، کال شش نمکی.

فصل ششم

ترکیب هیدرونیم

عناصر لغوی تشکیل دهندهٔ آبنام‌ها

هر اسم جغرافیایی، مفهومی را می‌رساند. اگر نامی برای ما ناآشناست، یا به نظر بی‌مسماء می‌آید، بدان دلیل است که ما آن را نمی‌دانیم و با زبان پنهان در آن نام آشنا نیستیم. هیچ نام بدون مفهومی در روی کره زمین وجود ندارد.

هرگاه معنی برخی از اسامی‌ای که بسیار رایج هستند و درکتب و نوشته‌ها به آنها برمی‌خورد و به کار می‌بریم از ما پرسیده شود، درپاسخ به آن عاجز خواهیم ماند و برای راحتی کار خود آن را به‌گونه‌ای عوامانه تعبیر می‌نماییم؛ برای مثال هراز یعنی چه؟ کارون چه معنایی می‌دهد؟ دریاچهٔ پریشان چرا پریشان است؟ و بسیاری نام‌های دیگر. آنها چگونه به وجودآمده‌اند؟ آیا اولین ایرانی به محض دیدن یک مورد آبی با فریاد نامی را برای آن انتخاب نموده است، یا دیگران به خاطر اقامت در کنار آن مورد آبی نامی را بدان مورد آبی اطلاق نموده، اصولاً انسان بلافاصله پس از سکنی در جایی یا استفاده از یک پدیده جغرافیایی برآن نام می‌گذارد. این روند پس از مدتی با توجه به عوامل

طبیعی – جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی رخ می‌دهد. انسان پس از شناخت محیط بر یک عارضه جغرافیایی با توجه به خصوصیات آن یا علائق خود نامی را انتخاب می‌نماید.

آبنام‌ها را با توجه به کلمات استفاده شده و مفهوم آن کلمات که بیانگر خصوصیت آن هیدرونیم‌هاست به صورت زیر می‌توان دسته‌بندی نمود:

۱. اتنوهیدرونیم‌ها (Ethnohydronyms)
۲. فیتوهیدرونیم‌ها (Phytohydronyms)
۳. زووهیدرونیم‌ها (Zoohydronyms)
۴. میتوهیدرونیم‌ها (Mythohydronyms)
۵. کاسموهیدرونیم‌ها (Cosmohydronyms)
۶. آنتروپوهیدرونیم‌ها (Anthropohydronyms)
۷. مموهیدرونیم‌ها (Memohydronyms)
۸. پاتروهیدرونیم‌ها (Pathrohydronyms)
۹. اوروهیدرونیم‌ها (Orohydronyms)
۱۰. اویکوهیدرونیم‌ها (Oykohydronyms)
۱۱. هیدروهیدرونیم‌ها (Hydrohydronyms)
۱۲. تئوهیدرونیم‌ها (Theohydronyms)
۱۳. اوموهیدرونیم‌ها (Omohydronyms)
۱۴. هیدرونیم‌های عاریه (Granthydronyms)
۱۵. هیدرونیم‌های مجازی (Metaphoric Hydronyms)

نوع آبنام	مثال برای آبنام
اتنوهیدرونیم	گرجی، عرب، بختیاری، ارمنی جان
فیتوهیدرونیم	بیدمشک، سنجدچای، سارمساقلو
زووهیدرونیم	پلنگی، مارچشمه، ماهی رود، بزرود
میتوهیدرونیم	فریدون، سلم، نمرود، کاوه رود
کاسموهیدرونیم	زهره، شهاب، آیدوغموش
آنتروپوهیدرونیم	حسن لنگی، خان زمان، حاجی کوچی
مموهیدرونیم	سد امیرکبیر، طهماسب قلی، طغرل
پاتروهیدرونیم	قنات محمدخان، قنات خواجه میرخان
اوروهیدرونیم	کال رشتخوار، کال قبرستان، شوربافق
اویکوهیدرونیم	زنجانرود، اهرچای، رودکرج، رودآمل
هیدروهیدرونیم	سدکارون، سدکرج،
تئوهیدرونیم	موسی نهر، امامزاده اسماعیل
اوموهیدرونیم	رودقم، رودکرج، رودنسا
هیدرونیم عاریه	سدکرج، سدکرخه
هیدرونیم مجازی	دروغ زن، واویلا، کفرآور

جدول آبنام‌ها با توجه به معنای اجزای آن

اتنوهیدرونیم‌ها

زبان‌شناسان معتقدند که نام برخی از هیدرونیم‌ها از نام طوایف و قبایل ساکن درحول و حوش آن مورد آبی گرفته شده است. به این اسامی درادبیات زبان‌شناسی اتنوهیدرونیم می‌گویند؛ مانند دریای خزر (که ازنام طایفه خزر گرفته شده است)، عرب، جعفری (رودخانه)، بختیاری، کردان، کنگررود (Kangarrud)، کوسه لو (Kosälı)، نهرخلج (Nahre xalac)، عباسلو، گرجی، کنگری، کنگر، عبدل آباد، ارمنی جان.

فیتوهیدرونیم‌ها

اسامی موردهای آبی‌ای را که از نام نباتات و گیاهان موجود در یک منطقـه گرفتـه شده باشند در اصطلاح فیتوهیدرونیم گویند. مفهوم و اطلاق این نوع اسامی نشان‌دهندهٔ وضعیت و نوع جغرافیای طبیعی آن منطقـه اسـت. جمـع‌آوری هیـدرونیم‌هـای منـاطق مختلف ایران ساختار کشاورزی آن مناطق را در سال‌های گذشته روشن مـی‌سـازد زیـرا اکثر این اسامی قدیمی هستند؛ مانند بیدمشک (رود)، ترپ، تنگل سنجدچای، یرپـاقلی (Yärpäqlı)، سـوقانچی چـای (Soqänçıçäy)، زرشـک، سـماق درخـت بیـد(رود)، تیغزرد، سـوغان (Soğän)، یونجـه لـی (Yoncälı)، سارمسـاقلو (Särımsäqlı)، ده اسفند، انجیر بویه، کـاهو، انـار، آلمـالوداش (Älmälıdäş)، انارسـتان، انـاررود، ایگـدلو (İdali)، بوغداکندی (Buğdäkandi)، بنی تاک، بید، بیدآباد.

زووهیدرونیم‌ها

بعضی از اسامی موردهای آبی که از نام حیوانات و پرندگان و جـانوران آن منطقـه گرفته شده. این اسامی دربرخی موارد وجود آن نوع حیوانات را در آن منطقه می‌رسانند. در برخی اسامی نام حیوانات در معنای مجازی به‌کاررفته و معانی مختلفـی را داراسـت؛ مانند گاورود (در این نوع اسم کلمه گاو به معنای بزرگ است[۱])، پلنگ رود، پلنـگ دره، کوه باز (رود)، پلنگی، مارسار، ایلان کـش (İlän koş)، مارچشـمه، مادیـان رود، مـاهی رود، سی میش، رود نهنگ، آهو (رود)، بالخلو(Bälıxlı)، بالیقلوچای (Bälıqlıçäy)، بز رود، بزآباد.

---

۱. مدبری، محمد، *کوههای ایران*، مجله چیستا، سال هشتم شماره ۲، آبان ۱۳۶۹، صص ۲۷۴-۲۶۹ .

میتوهیدرونیم‌ها

اسامی را که از اسطورهای کهن تشکیل شده یا در آن از کلماتی که بیانگر اسطوره‌ها هستند استفاده شده باشد در اصطلاح میتوهیدرونیم می‌گویند. این اسامی در درون خود مفهوم عظمت، بزرگی، مقاومت، جاودانگی و سایر مفاهیم اسطوره‌ای را تداعی می‌نمایند و قدمت نامگذاری آنها نسبت به سایر آبنام‌ها بیشتر است؛ مانند فریدون، کاوه رود، سلم، کیکاووس، شاه بهرام، گاماسیاب، سمبورچای (Sämburçäy) (از نام سام گرفته شده است)، نمرود.

کاسموهیدرونیم‌ها

برخی ازآبنام‌ها معرف اجرام سماوی هستند. در این نوع هیدرونیم‌ها از کلماتی مانند ماه، خورشید و ستاره استفاده شده و اکثر آنها نمادی اعتقادی هستند. این نوع آبنام در عوارض آبی کوچک مثل چشمه، نهر و قنات بیشتر مشاهده می‌شوند؛ مانند شهاب، زهره (۲)، آید و غموش (Äydoğmuş).

آنتروپوهیدرونیم‌ها

این نوع آبنام‌ها از نام سازندگان یا مالکان آنها به‌وجود آمده است. تعداد این‌گونه هیدرونیم‌ها در مجموعهٔ آبنام‌های ایران قابل این نوع اسامی در میکروآبنام‌ها بیشتر دیده می‌شوند؛ مانند چشمه‌ها، قنوات، جویبارها، آب‌های معدنی و...، مانند حاجی محمدچای، آل جیا، حاجی عرب، حاجی کوچی، حسن لنگی، خان میرزا، خان زمان، الاه وردی خان (Allähverdi xän)، ارقون (Arqun) (نام شخصیت تاریخی).

مموهیدرونیم‌ها

این‌گونه اسامی به مناسبت‌های گوناگون تاریخی، سیاسی و فرهنگی، به پاس احترام به شخصیت‌ها، حوادث تاریخی و مهم به یک عارضه جغرافیایی اطلاق می‌شود.

درمیان این اسامی به عوارض آبی مصنوع دست انسان بیشتر برمی‌خوریم؛ مانند سد پانزده خرداد، سد امیرکبیر، (رود) شاه بهرام، (رود) آغا خان، (رود) شاهزاده عباس، (رود) سره خاتون، (رود) شاه ولی، (رود) شاه بابک، (رود)شکربیگ، شمس عرب، (رود) طهماسب قلی، (رود) شیخ علی تنگه، (رود) طغرل، (رود) عسلشاه، (رود) قاضی کئور، چشمه عین‌الرشید، چشمه شاه (چشمه شاه به دستور شاه عباس ساخته شده است).[1]

پاتروهیدرونیم‌ها

اسامی موردهای آبی که از نام خانوادگی یا یک سلاله تشکیل شده است. این نام‌ها می‌تواند نام سازنده یا مالک، یا منسوب به یک خانواده باشد. در میان موردهای آبی چشمه‌ها، قنات‌ها، کانال‌ها، برگه‌ها و آب‌های معدنی بیشتر از سایرین از این نوع اسامی تشکیل یافته است؛ مانند کال حاجی بیگی، آب سردار(قنات در تهران)، قنات حاجی سیدحسین، قنات حاجی محمدباقر، قنات طوماس، قنات حاج محسن، قنات خطیب.

اوروهیدرونیم‌ها

برخی از اسامی موردهای آبی معرف نام پستی و بلندی است، یا بخشی از آن، از اسامی کوه، تپه، دره، دشت و ... تشکیل شده است. در بیشتر موارد اورنیم‌هایی به همان نام در نزدیکی مورد آبی به چشم می‌خورد؛ مانند دماوند (کوه و رود).

اویکوهیدرونیم‌ها

اسامی که از نام مناطق مسکونی گرفته شده است. دراغلب موارد این مناطق مسکونی در جوار یا نزدیکی موردآبی قرارگرفته است. برای تمییز و شناسایی این اسامی از اسامی نقاط مسکونی، به همراه آبنام مورد از نظر اصطلاحات هیدروجغرافیایی مانند رود، چشمه، آب، سد، قنات، سو و ... استفاده می‌شود؛ مانند اهرچای، رودکرج، رود میاندآب، دولت آباد، دهخارقان، زنجانرود.

---

۱. آلفونس گابریل، *تحقیقات جغرافیایی* ، ص ۱۰۶.

هیدروهیدرونیم‌ها

برخی از اسامی موردهای آبی از نام یک مورد آبی دیگر گرفته شده است. این نوع آبنام‌ها عمدتاً مصنوع دست بشر هستند و به نحوی با آبنام اولیهٔ رابطه دارند، یعنی یا در مسیر آن هستند یا در جوار آن ساخته شده‌اند؛ مانند سدکرج (از رود کرج)، سد کرخه (از رود کرخه).

تئوهیدرونیم‌ها

دسته‌ای دیگر از اسامی موردهای آبی از واژه‌های مذهبی یا کلماتی که مفهومی دینی را می‌رسانند، تشکیل شده. این‌گونه موردهای آبی یا در جوار مساجد، امامزاده‌ها هستند یا استفاده از آنها ثواب به‌شمار می‌آیند؛ مانند امامزاده اسماعیل (رود)، آق امام، امامزاده (رود)، موسی نهر، چشمهٔ آدم (رود)، چم امام حسن(رود)، چم شیخ رواس، پیغمبر (رود) زیارت(رود)، سورموسا، آبگرم اله حق.

اوموهیدرونیم‌ها

آبنام‌هایی را که مشابه نام مناطق مسکونی یا سایر عوارض جغرافیایی است اوموهیدرونیم گویند؛ مانند رود کرج (شهر کرج)، رود قم (شهرقم)، رودنسا (شهر نسا)، آب معدنی بیله دره (روستای بیله دره)، چشمهٔ بوشلی (Boşli) (روستای بوشلی)، آبگرم سرعین (Sarin) (روستای سرعین).

هیدرونیم‌های عاریه

اسامی که از نام موردهای مشابه در سایر نقاط به‌وجود آمده، یا آن نام عاریه گرفته شده است. این نوع آبنام‌ها بیشتر بر عوارض ساخت بشر اطلاق می‌شود و اسم خود را از نام یک عارضه جغرافیایی نزدیک عاریه می‌گیرند؛ مانند سدکرج، سد کرخه.

هیدرونیم‌های مجازی

آبنام‌هایی که از واژه‌هایی به‌وجود آمده‌اند که نه در معنـای حقیقـی آن کلمـه، بلکـه در مفهوم مجازی به‌کـارگرفتـه شـده‌انـد؛ماننـد دروغزن(Doruğzan)، دره دلـی(Dare dali)، کفرآور، واویلا، غنچه خران، لولو(Lulu)، لم رود (Lamrud)، عروس داماد، لـج رود.

فصل هفتم

دیرینه‌شناسی هیدرونیم

ریشه‌شناسی هیدرونیم‌ها

همان‌طورکه در صفحات پیشین اشاره شد هر آبنام دارای معنـا و مفهـومی اسـت. انسان برای نامگذاری و اطلاق عنوان به هر چیز یا پدیده از یـک سیسـتم واحـد و کلـی استفاده می‌کند. این امر در نامگذاری موردهای آبی نیز صادق است. به همین جهـت در هر نامی، مفهومی نهفته است اما به مرور زمان مفهوم برخی از این اسامی فراموش‌شـده، یا در اثر تأثیر سایر عوامل نامفهوم می‌شوند. وجه تسمیهٔ آبنام‌های ایران از دیر باز مـورد توجه محققان بوده است. در اغلب کتب و تحقیقات جغرافیایی در مورد مناطق مختلـف ایران به وجه تسمیهٔ اسامی و سوابق و نظرات گذشتگان اشاره شده است. اگرچه برخـی از این معانی درست بوده و یا دارای توجیه علمی هستند، اما این‌گونه نظریات همسو بـا تحقیقات و دستاوردهای زبان‌شناسی نبوده و از این نظر بررسی نشده‌انـد. در سـال‌هـای اخیر، گردآوری اسامی و بررسی ریشه‌شناسی آنها مورد توجه قـرار گرفتـه و آثـار قابـل

توجهی نیز منتشر شده است. این کارها جنبه عـام داشـته و اسـامی منـاطق مسـکونی، اسامی کوهها و تپه‌ها، اسامی رودها و... در کنار یکدیگر بررسی شده است و جای کتـابی که تنها به بررسی وجه تسمیهٔ آب نام‌های ایران پرداخته باشد، خالی است.

آبنام‌ها ازنظر شفافیت معنا و مفهوم در سه گروه جای می‌گیرند:

الف: آبنام غیرشفاف یا آبنام‌هایی که معنای آنها هنوز آشکار نشده است.

ب: آبنام شفاف یا آبنام‌هایی که کل مفهوم آنها برای ما روشن است.

ج: آبنام نیمه شفاف یا آبنام‌هایی که بخشی از معنای آن برای ما روشن است.

آبنام شفاف	آبنام نیمه شفاف	آبنام غیر شفاف
دامغانرود	سدیج کوچک	شاخن
دلی چای	شور دهرم	سیوند
دوآب	قلعه پدا	گده
دمیر	کرکل دره	خیج
شورچای	کشف رود	تاون
قلعه چای	کش رودخانه	مُنج
کاظم رود	کم سفید	مُلکن
کرم بخش	کهرود	بشار
کرمعلی	دهن دره	بُقمچ
کهن کور	قاضی کئور	جرف
ده شیخ	قازان چای	داغا

جدول آبنام‌ها باتوجه به بازگشایی معنای آن

الف: آبنام‌هایی که معنی آنها برای ما روشن نیست (آبنام غیر شفاف).

انسان برای نامگذاری عوارض آبی به خصوصیات ظاهری، موقعیت مکانی، کیفیـت، حجم، سمت، سرعت، موقعیت طبیعی و بسیاری عوامل دیگرتوجه می‌کنـد. کشـف ایـن مفاهیم چندان پیچیده نیست، زیرا انسان برای نامگذاری از کلمات استفاده می‌کند و راز

این مفاهیم نیز درهمین کلمات نهفته است. اما امروزه به علت قدمت نامگـذاری مفهـوم بسیاری از اسامی برای ما مبهم است. البته در برخی کتب جغرافیایی وجه تسمیه و علت نامگذاری پاره‌ای از اسامی جغرافیایی مشاهده می‌شود، اما در مورد آبنـام‌هـا توضـیحات کمتری به‌چشم می‌آید. دلیل این امر از یک طرف، قدیمی بودن اسـم اسـت و از طـرف دیگر، چون مورد آبی به خودی خود در طبیعـت وجـود دارد، کنجکـاوی بـرای نـام آن کمتر بوده است. به هر حال، تعداد اسامی‌ای که مفهوم آن برای نگارنده مبهم بوده است در میـان آبنـام‌هـا کـم نیسـتند؛ماننـد مـوردان (Murdän)، کـر، لـور (Lur)، لـومیر (Lumir)، گازُر (Gäzor)، هویق (Hoviq)، بوژان(Bużän)، جغان (Ceğän) و...

امیدواریم روزی شاهد تـألیف کتـاب‌هـایی در مـورد تحلیـل اسـامی جغرافیـایی و آبنام‌ها باشیم.

ب: آبنام‌هایی که کل مفهوم برای ما روشن است (آبنام شفاف).

این نوع آبنام‌های تک جزئی یا دوجزئی اغلب از واژه‌هایی به‌وجود آمده‌انـد، کـه در زبان مورد نظر دارای مفهوم روشنی هستند؛ ماننـد بـاز (رود)، باغشـاه (رود)، بختیـاری (رود)، برغان(Bərəğän) (رود)، بیشه (رود).

از طرف دیگر، این اسامی عمداً از واژه‌هایی ساخته شده‌اند که به همان صـورت در زبان موجود هستند و علت انتخاب آنها به عنوان آبنام فراوانی، تشـابه، مجـاورت، قیـاس و... است. اسامی که مفهوم آنها برای ما روشن است می‌توانند تـک جزئـی، دوجزئـی یـا چندجزئی باشند. البته با توجه به اینکه اسامی تک جزئی دارای قدمت بیشتری هستند، هرچه مفهوم تعداد بیشتری از آنها بـرای مـا روشـن شـود، امکـان آشکارسـازی مفهـوم سایرین نیز بیشتر فراهم می‌شود. در اسـامی دو یـا چنـد جزئـی کـه دارای اصـطلاحات جغرافیایی یا هیدروجغرافیایی هستند، مفهوم اصطلاحات روشن است و تنهـا رازگشـایی مفهوم سایر بخش‌ها دارای اهمیت است. این مفاهیم بسیار گسترده هستند. بررسی‌های ما اسامی یک‌جزئی یا چندجزئی با مفهوم روشن را به صورت زیر دسته‌بندی می‌کند.

مفهوم آبنام	مثال برای آبنام
حیوانات و پرندگان	(رود)گرگ، (رود)بز، (رود) پلنگی،
گیاهان ونباتات	سارمساقلو، بلوط، ترپ، سپیدار
شخصیت‌ها ی تاریخی	(رود) رستم، (رود) کیکاووس
طعم و مزه	(رود) نمکی، تلخ، شیرین
رنگ	(رود)کبودان، سفیدرود، (رود)زرد
ویژگی ظاهری	(رود) دمق، (رود) کبیر، (رود) قتور
نام طوایف	(رود)گرجی، (رود)کنگر، (نهر)خلج
نام سایرعناصر	(رود)کپک، (رود) حمام، حلب
حرارت و دما	آبگرم، (رود)گرم، ایستی سو

جدول آبنام‌های تک جزیی شفاف:

۱. آبنام‌هایی که از نام **حیوانات** یا **پرندگان** گرفته شده است، مانند (رود) بز، (رود)پلنگی، (رود) دلدل(Doldol)، (رود) شتران، (رود) شیر، (رود)قره (Qara)، (رود) قوش، (رود) گاو، (رود) گرگ، (رود) ماهی، (رود)آهو و....

۲. آبنام‌هایی که ازنام **گیاهان** و **نباتات** موجود در آن منطقه گرفته شده است، مانند (رود) چنار، (رود) بیدمشک، (رود) سپیدار، (رود) سوقان (Suqän)، (رود) کاج، (رود)گز (Gaz)، (رود) نخل، (رود) یونجه لی (Yoncälı)، (رود) زرشک، (رود) سماق و ....

۳. آبنام‌هایی که از نام **شخصیت‌های تاریخی** و **باستانی** گرفته شده است و دارای معانی با جاه و جلال یا خصوصیت‌های آن شخصیت باشد، مانند (رود) رستم، (رود) زال، (رود) سلم، (رود) زردشت، (رود) سلمان، (رود) سلیمان بیگ، (رود) کیکاووس، (رود) سلطان طاهر و ....

۴. آبنام‌هایی که کلمات گویای **رنـگ** درآنهـا اسـتفاده شـده اسـت و رنـگ‌هـا در آنهـا به‌صورت مجازی به‌کار می‌روند و مفهوم شفافیت، حجم، تمیـزی و ... را مـی‌رسـانند؛ مانند (رود) سفید (۳) ، (رود) سیاه (۶)، (رود) کبودان، (رود) زرد، (رود) شیشه و ....

۵. آبنام‌هایی که مفهوم و خصوصیت عارضه مثل **طعم و مـزه** و ... را مـی‌رسـاند؛ ماننـد (رود) شور (۸)، (رود) شیرین (۷)، (رود) نمکی، (رود) نمکه، آجـی چـای(Äcıçäy) (رود تلخ)، (رود) یخ آب و ....

۶. آبنام‌هایی که اسم آنها **مشخصات فیزیکی و ویژگی ظاهری** عـوارض آبـی را بیـان می‌کند مانند (رود) فراخ، (رود) قتور(Qotur)، (رود)کبیر، (رود)گـرم، (رود) گشـاد، (رود) اعظم، (رود) اعلا، (رود) اشگ، (رود) لاغر، (رود) دمق و ....

۷. آبنام‌هایی که از **نام سایر عوارض جغرافیایی** اقتبـاس شـده‌انـد. ایـن‌گونـه اسـامی اگرچه از یک کلمه تشکیل شده‌اند، اما برای اجتنـاب از اشـتباه در اغلـب مواقـع بـه همراه کلمه‌ای که نوع آبنام را نشان می‌دهند، به‌کـار مـی‌رونـد؛ ماننـد (رود) دینـور (Dinevar)، (رود) ماسوله، (رود) دماوند، (رود) کـرج، (رود) خـاش، (رود) خمـین، (رود) الموت و ....

۸. آبنام‌هایی که از **نام طوایف و قبایل** جدید و قدیمی یا باستانی به‌وجود آمده باشـند؛ مانند (رود) عرب، (رود) حبشی، (رود) کنگری، (رود) گرجی(Gorci)، (رود) کنگـر، (رود) عبدل‌آباد، نهرخلج (Nahre xalac) و ....

۹. آبنام‌هایی که از **نام سایر عناصر** ساخته شده‌اند و در معنای مجـازی مفهـوم واژه را در آبنام متبلور می‌کنند؛مانند (رود) شمشیر، (رود) سنگ، (رود) کپک، (رود) شیشه، (رود) حلب، (رود) حصار، (رود) خرخره (Xerxere)، (رود) حمـام، (رود) خاکسـتر و....

ج: آبنام‌هایی که بخشی از معنای آن روشن است (آبنام نیمه شفاف).

در این نوع آبنام‌ها از کلماتی استفاده شده است که بخشی از ماهیت آبنام مورد نظر مفهوم و معنی آن را روشن می‌کنـد. ایـن نـوع اسـامی عمـدتاً از چنـد دسـته تشـکیل

می‌شوند. در پاره‌ای از آنها علاوه بر کلمه‌ای‌که دارای معنی روشن است، جزء دوم از کلماتی تشکیل شده که آنها جزء اصطلاحات جغرافیایی یا هیدروجغرافیایی هستند. در اینجا اصطلاح هیدروجغرافیایی در مفهوم حقیقی خود به کار می‌رود و نوع عارضه را نشان می‌دهد، یا اینکه اصطلاح جغرافیایی که گویای سایر عوارض هستند و از اسامی جغرافیایی موجود گرفته شده‌اند. گروهی دیگر، جزء دوم آنها کلماتی هستند که معنای آنها هنوز رمزگشایی نشده‌اند. این اسامی به دسته‌هایی که در زیر می‌آید تقسیم می‌شوند. گردآوری کلیهٔ آبنام‌هایی که بخشی از مفهوم آن روشن است می‌تواند در مطالعات‌میدانی به سایر علوم‌مانند کشاورزی، صنعت و معدن و علوم‌انسانی کمک نماید.

مفهوم آبنام	مثال برای آبنام
حیوانات و پرندگان	بزرود، بالقلوچای، قوروبارس، زالوچال، پلنگرود
گیاهان و نباتات	ارموت ارگیل،چشمه بید، سنجد چای
شخصیت‌های تاریخی	ده محمدشاه(رود)، موسی نهر، قازان رود
طعم و مزه	تلخاب، آبشور، آب شیرین، رود شورپسکوه
رنگ	تنگ سرخ، چشمه سفید، قره سو، سبزآب
ویژگی ظاهری	تنگ ریز، تنگل راست، قوروچای، گدارپهن
نام طوایف	نهرخلج،کنگررود، حاجی عرب، آب ترکی
نام سایرعناصر	چرم سو، کال استخوانی، قپان چای، افراتخته
حرارت و دما	آبسرد، گرمرود، گرم چای، کال آب خنک
خصوصیت شیمیایی	شورآب، شورسو، آجی چای، تلخاب، آب ترش
موقعیت مکانی	سرکاریز، سرداب پایین، کهقان بالا، یوخاریچای
کمیت و حجم	کنس رود، قتورچای، باریک آب، ایری چای
جریان، سرعت، صدا	کندرود، گورگورچای، آب مورموری
نوع آبنام	چشمه علی، چم بویین، نهرخلج، سفیدرود
اندازه و طول	اوزون دره، باریک آب، بیوک چای
اعداد و ارقام	چهل چشمه، دوآب،سی کوران، هفت قنات
لقب و عناوین	آب شاه، آقام علی چای، آق بیگلر، بهادرچای
شغل و حرفه	رودآهنگران، تنگه قالیباف، کال پوستین دوز
شباهت ظاهری	دره دیم خرکن، پای میش، تودی لنگ، گاوکج
نام سایر عوارض	سیاه کوه، آسیاب رود، آستارا چای، باغ سنگی
وجود سایر مواد	چاه سنگ، کال نمک، هفت خونی، شیرمرغ
وجود کلمات معنی‌دار	جوب خاله، کهن کور،مال حاضری، آب لشگر

جدول آبنام چندجزئی نیمه شفاف:

۱. آبنام‌هایی که در آنها از کلماتی استفاده شده است که **گویای مزه، طعم و خصوصیت شیمیایی** آن هستند. این نوع نامگذاری ابتدایی‌ترین شکل نامگذاری بوده است، زیرا استفاده از آب در وهله نخست مزه آن را نشان می‌دهد. در این نوع اسامی از کلمات شور، شیرین، ترش، تلخ، آجی (تلخ)، آری (صاف)، بولانلیق (گل‌آلود، کثیف) و... استفاده شده است؛ مانند شور بلاغ (Şorbulăğ)، آریچای(Ärıçäy)، قوروچای (Quru çäy) (۳)، بولانلیق چای (Bulänlıq çäy)، آجی چای (Äcı çäy) (۲)، شورآب (۶)، شور بافق، شور آب سمنان، شورآب بیابانک، شور باریک، شورجهرم، شورجیرفت، شورچای (Şorçäy) (۶)، شور سو(Şorsu)، آجی دره(Äcıdara)، شور دلیجان، قوری چای (Quriçäy) (۴)، قورو بارس(Qurubärs)، ترشاب (۲)، دریاچه نمک، کال نمکزار (دریاچه)، تلخاب، تلخه رود زنجان، شوره زار آلا گل (Şurezäre älägul) (دریاچه)، تلخ رود، شیرین دره، شیرین رود، کال خشک، آب تلخ، شیرین آب، چاه شیرین، کال تلخاب، آب ترش (چشمه).

۲. آبنام‌هایی که در آنها ازکلماتی استفاده شده است که **گویای رنگ مورد آبی** است. این کلمات در معنای مجازی استفاده می‌شوند و گویای رنگ آب نیستند. دراینجا رنگ می‌تواند معرف کیفیت و طعم و حجم باشد. در بعضی زبان‌ها مانند زبان ترکی و چینی رنگ معرف سمت جغرافیایی است؛ مانند دریای سیاه و دریای سفید که معرف سمت شمال و جنوب است. دراین آبنام‌ها واژه‌های سیاه، سفید، آغ (سفید)، قره (سیاه)، سپید، سیمین، زرین، زرد، سیمینه، قزل، بور، سرخ، سبز و... استفاده شده است؛ مانند سپیدار، ساریجه چایSärıca çäy)، ساریسو (Särısu)، سرخ‌آباد، سرخ‌آب (۳)، سبزکوه، سبزآب، سپیددره، سفید باغ، سفیدرود، سفیددره، سنگ سیاه، سنگ سیاهی، سیاه چمن چای، رود خانه سفید، قره سو (Qarasu) (۶)،کال آلبلاغ (Käle älbulăğ)، سیاه دره، سیاهرود (۶)، سیاه سنگ، بور طلا، سیاه مرز کوه، سیاه کوه، سیاه مزگی، سیمینه رود، قره چریان (Qaraçaryän)، قره قوش (Qaraquş)، قره قای (Qaraqäy)، قره‌دره (Qaradara)، قزلچای(Qızılçäy)، قزل‌اوزن (Qızılüzan)، قزلچه سو (Qızılcäsu)، قره قشلاق (Qaraqışläq)

(تالاب)، آق قوروچای (Äqquruçäy) (۳)، چای ساریک (Çäy särık)، جم سنگ سیاه، جم زرد، آب زرشک (هم مفهوم رنگ و هم مفهوم طعم دارد)، زرینجه، زرین‌گل، زرینه رود، ساری قمیش(Särıqamiş)، ساری‌سو (Särısu)، آب چلچلی،کنه کبود، نهرقطرانی، زرین کمر.

۳. آبنام‌هایی که در آنها از کلماتی استفاده شده است که **گویای موقعیت مکانی موردآبی** هستند. در این آبنام‌ها کلمات بالا، پایین، علیا، سفلی، یوخاری، آشاغی و ... دیده می‌شود که دارای مفهوم مکانی هستند. برخی ازاین اسامی در قسمت دوم حاوی نام محل هستند و بخش دوم آبنام مورد نظر را از اسامی مشابه تفکیک می‌کند. در این اسامی یک نام مشخص به‌صورت معرف به‌منظور تبیین موقعیت مکانی آبنام به‌کار می‌رود؛ برای مثال در اسامی شوربافق، شور جیرفت، شور جهرم، شور بیجار جزء دوم برای نشان دادن موقعیت مکانی آبنام به کار رفته است. برخی از کلماتی که مفهوم مکان را دارا هستند به‌صورت موازی، دو مکان مقابل یا نزدیک به‌هم را نشان می‌دهند و متضاد یکدیگر هستند؛ مانند بالا- پایین، چپ - راست، علیا - سفلی و یوخاری - آشاغی. همچنین مانند سرداب پایین، یوخاری چای(Yuxärı çäy) (۲)، سرکاریز (Sare käriz)، میان رودبار، پشت پیررود، گهقان بالا، میان طاق، میان کوه، پیش رودبار، میانرود، سرچال، تنگ جلو، سرجنگل، سرگز، سرزه، راست دره.

۴. آبنام‌هایی که درآنها از کلماتی استفاده شده است که **گویای حجم و کمیت میزان آب** است. دراکثر موارد جزء دوم این نوع آبنام اصطلاح هیدروجغرافیایی است. در این نوع اسامی کلمات پر، کم، باریک، ریز، درشت، ایری (درشت)، خردا (ریز)، قتور (پهن)، اعظم، گاو (در معنی مجازی بزرگ)، کال بزرگ و ... به کار رفته است؛ مانند ریزاب میشوری، کم سور، کم سفید، آب باریک، چشمه ریزه (رود)، چشمه ریزک (رود)، قتور چای، باریک‌آب، باریک‌رود، قوتورسو (Qotursu) (چشمه).

۵. آبنام‌هایی که درآنها از کلماتی استفاده شده است که **گویای حرارت و دمای آب** آن است. دراین نوع آبنام‌ها کلمات سرد، گرم، جوشان، یخ، ایسسی(issi)، ایستی (isti)، سویوخ (soyux) و ... به چشم می‌خورد؛ مانند گرماب (۴)، گرمارود (۲)،

گرمدره، گرمرود، گرم چای، گرمابدشت، گرمابدر، سرداب، سرداب رود، چم جوشان، آبجوش، ایسی سو (چشمه).

۶. آبنام‌هایی که درآنها از کلماتی استفاده شده است که **جریان آب، صدا و یا سرعت آن را** می‌رساند. دراین نوع آبنام‌ها کلمات تند، تیز و... به چشم می‌خورد؛ مانند قلقلرود (Qolqolrud)، چم خورخوره (Çame xorxore)، چهچهه، قلقلی چای (Qololi çäy)، گورگور چای (Gurgur çäy)، آب جاق جاق (Äbe cäqcäq)، چشمه تاپ تاپان (Çeşme täptäpän)، رود خرخر (Rude xorxor).

۷. آبنام‌هایی که درآنها از کلماتی استفاده شده است که **نوع عارضه آبی** را مشخص می‌کند. این کلمات به جزء دیگر می‌چسبیده و نباید جدا نوشته شوند. در این آبنام‌ها کلمات اقیانوس، دریا، دریاچه، رود، چشمه، بلاغ، نهر، جوی، دریاچه، چم، گؤل، باتلاق، کانال، کاریز، کهریز، کال، چای، چشمه، تالاب، سد، چایلاق، مانداب، آبگرم، آب معدنی و سایر کلماتی که نشان‌دهنده نوع آبنام هستند، به‌چشم می‌خورند؛ مانند دریای مازندران، شاه گؤلی (Şähgöli)، اورمو گؤلو (Urmugölü)، اقیانوس هند، ساوه چایلاقی (Sävaçäyläqı)، باتلاق گاو خونی.

۸. آبنام‌هایی که درآنها ازکلماتی استفاده شده است که **دربارهٔ طول و اندازه عارضه** اطلاعات می‌دهد. دراین آبنام‌ها ازکلمات دراز، کوتاه، باریک، بلند، اوزون، قیسا و ... استفاده می‌شود؛ مانند درازبیشه، درازنا، ایری چای (Ayriçäy)، اوزون دره (Uzundara) (۲)، اوزون دره گوجه قیه (Uzundara göycaqaya)، نهراعظم.

۹. آبنام‌هایی که **یک جز نام آنها شکل ظاهری عارضه** را نشان می‌دهد. دراین اسامی کلمات راست، کج، خمیده، قوری دیده می‌شود؛ مانند کج کال، راستدره، راسته خاله، رودخانه بولانلق (Rudxäne bulänlıq)، رود قتور(Rude qotur)، چشمه ریزه، (تالاب) قوری گل (Qurıgöl).

۱۰. آبنام‌هایی که یک جزء از اسامی آنها گویای **اعداد و ارقام** است؛ مانند هزارگره، هزاربند، هشت بند، هفتاد رود، هفت چشمه، هفت‌قنات، هفت خونی، هزارمیشه، پنج چاهی، چم چهل‌چشمه، چم دوآب (۴)، چم دورود، چم هفتاش، چهارباغ، چهار

تاق، چهار کال، چهارشحنه، چهل چای، چهل‌چشمه، چهل‌گـذر، چهـل و چهـارآب، سه‌سنگ، سه گلال، سه گنبد، سه هزار، سی‌خوران، سی کوران، سی‌رود، شش پیـر، شش رودبار، شصت‌پیچ، شصت‌دره، شصت‌کلاه، شصت ماهرو، کال پنج چاهی.

۱۱. آبنام‌هایی که درآن کلماتی به کار رفته است که **لقب و عنوان** را می‌رسانند. برخی از این عناوین منسوخ بوده و دیگر در زبان معاصر به‌کار نمی‌روند و تنهـا در اسـامی محفوظ مانده‌اند. در این اسامی به واژه‌های ارباب، خان، شاه، خـاتون، امیـر، سـردار، بیگ، سلطان، درویش، میرزا و... برمی‌خوریم؛ مانند سالاردره، ده ملک، ده میرزائـی، ده محمدشاه، طاهر خاتون، علـی گـرده، قلعـه قاضـی، کـال سـالار، سـلطان‌بیـگ، سلطان‌آباد.

۱۲. آبنام‌هایی که درآنها کلماتی استفاده شده است که **شباهت ظاهری** را می‌رسـانند؛ مانند (رود) پای میش، رود پلنگی، چم بادمجان، زالو چال، رود لولو، رود منقار.

۱۳. آبنام‌هایی که درآنها کلماتی استفاده شده است که معـرف **شغل وحرفـه** هسـتند؛ مانند رود قالیباف، رودگیوه دری، رود نقاش، رباط نعل‌بند.

۱۴. آبنام‌هایی که در آنها کلماتی استفاده شده است که معـرف **اشـیاء و لـوازم** مـورد مصرف انسان هستند؛ مانند رود لنگر، رود نقاب، سفید اره.

۱۵. آبنام‌هایی که درآن‌ها از **نام شهرها** استفاده شده است. در برخی اسامی شـهرها در جوار و نزدیکی مورد آبی قرار دارند و در برخی دیگر در فاصله دورتر قرار گرفته‌انـد؛ مانند دامغان رود، سراب کنگاور، رازلیق چای.

۱۶. آبنام‌هایی که مفهوم آنها **فراوانی یا وجود چیزی** را در منطقه یا در عارضه نشـان می‌دهد؛ مانند بالخ لو (پر ازماهی)، بالیق لو رود (رود پر ماهی).

۱۷. آبنام‌هایی که بخشی از نام آن گویای نام **قبایل و طوایف** موجود یا قـدیمی ایـران است. مطالعات منطقه‌ای نشان می‌دهد که تعداد این نـوع آبنـام کـم نیسـت؛ماننـد (رود)آب سیاه خانی، چاف رود، چم اسماقلو، کال اسدی، کال افغانی، کـال بهلـوری، کنگررود.

۱۸. آبنام‌هایی که در آنها از اصطلاحات و کلماتی استفاده شده است که در معنی **نوع عارضهٔ جغرافیایی** را نشان می‌دهد؛ مانند دو ده، قلعه سیستان (رود)، درهٔ گیجک، دشت هور، پشت پیر، کوه پست، کوه رنگ، خیره مسجد چای، باغ مورت، تنگ گرمه، سرجنگل.

۱۹. آبنام‌هایی که بخشی از نام آن از کلمات معنی دار فوق نیستند؛ اما خود آن واژه‌ها دارای مفهوم روشنی هستند؛ مانند چاه اعلا، زرین کمر، دهنهٔ فرح، کال ولایت، کال‌گذر گرماب، کال موشک.

۲۰. آبنام‌هایی که بخشی از نام آن گویای **اعضای بدن** هستند. این واژه‌ها دارای دو نوع معنی هستند. یعنی یا دارای معنی تشبیهی هستند یا معنی مجازی. در این مفهوم کلمات سر، پا، کمر مفهوم مکانی دارند؛ مانند دهن دورودی، دهنه غار، سرولایت، سرتنگه، پای چقات، دهنه فرح، زرین کمر، دره فک بن، دریاسر، گلال لب سفید، پای میش.

فصل هشتم

بیان هیدرونیم

زبان هیدرونیم‌های ایران

کشور ایران از دیرباز مهد سکونت طوایف و قبایل گوناگون بوده است. برخی از این طوایف و قبایل هم اینک در درون جغرافیایی سیاسی ایران زندگی می‌کنند و برخی در فراسوی مرزهای کنونی کشور ما سکونت دارند. با توجه به گذشت هزاران سال از اتراق اجداد ما دراین سرزمین گنجینه‌ای عظیم از نام‌های جغرافیایی شامل اویکونیم (جای نام)، اورونیم و بویژه آبنام برای ما به یادگار مانده است. ما برخی از آنان را به همان صورت قدیمی آنها به‌کارمی‌بریم و تعدادی را نیز که بر اثر تغییرات سیاسی، فرهنگی و تاریخی تغییر نام داده‌اند به‌گونه‌ای دیگر به‌کارمی‌بندیم. یکی از تفاوت‌های بارز میان آبنام‌ها و اسامی نقاط مسکونی (جای نامها) پایدارتر بودن آبنام‌هاست. برخی از نقاط مسکونی در پی حوادث گوناگون، امروزه وجود خارجی ندارند و تنها نامی ازآنها درکتب تاریخی و... باقی مانده است؛ مانند تیسفون و ری. اما آبنام‌ها هنوز هم وجود دارند. تنها میکروآبنام‌ها یا آبنام‌های مصنوع دست بشر ممکن است دچار عوامل طبیعی شده و از صحنه جغرافیا محو شوند؛ مانند سد شاهپور، سد بیلقان (در دیوان اشعار خاقانی به این

سد اشاره شده است). فرهنگ و زبان یک منطقه می‌تواند پایدار نباشد و براثر تاثیرات فرازبانی یا زبانی دچار تحول شود. این تحولات عیناً به اسامی منتقل نمی‌شوند و به‌همین جهت اسامی در درون خود ویژگی‌های قدیمی زبان‌ها را حفظ می‌کنند.

آبنام‌های ایران ازنظر تاریخ تشکل به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول آبنام‌های قدیمی که درگذشته به‌وجود آمده و مورد استفاده هستند. دسته دوم آبنام‌های جدید (Neohydronyms) که یا به‌دست انسان ساخته می‌شوند؛ مانند سدها، قنات‌ها و کانال‌ها یا به‌صورت طبیعی مانند مسیر جدید حرکت رودها، چشمه‌های خودجوش به‌وجود می‌آیند.

آبنام‌ها از نظر کاربرد نیز دو گروه هستند. یک گروه **آبنام‌های فعال**[1] که شامل کلیهٔ آبنام‌های دسته دوم فوق یا آبنام‌های جدید و بخشی از آبنام‌های دسته اول جزء آبنام‌های فعال هستند و گروه دیگر **آبنام‌های غیرفعال**[2] که تنها بخشی از آبنام‌های دسته اول یا آبنام‌های قدیمی جزء آبنام‌های غیرفعال هستند. آبنامهای غیرفعال علیرغم عدم وجود فیزیکی از نظر فرهنگی و تحقیقات علمی اهمیتشان کمتر از گروه دوم نیست. حتی در مواردی در بررسی‌های علمی از گروه اول مهم‌تر هستند.

آبنام فعال	آبنام غیرفعال
سد کارون	قزل‌اوزن
رود کارون	شیرین چای (تبریز)
چشمه اعلا	شاه گلی (تبریز)
سفیدرود	قنات آخونی (تبریز)
دریاچه بختگان	ایلانلی (قنات)
دریای خزر	
دریاچه لار	

جدول آبنام‌های فعال و غیرفعال

1. Active Hydronyms
2. Passive Hydronyms

تنوعات زبانی درهر دو نوع آبنام فعال و غیرفعال یـا جدیـد و قـدیمی، موجـود در ایران، به طرز بارزی خودنمایی می‌کند. آبنام‌هـا را از نظـر دورهٔ تـاریخی شـکل‌گیـری و نامگذاری می‌توان به سه نوع تقسیم کرد: **آبنام‌های کهن**[1]، **آبنام‌های قرون میانـه**[2] و **آبنام‌های معاصر**[3].

آبنام‌های کهن	آبنام‌های میانه	آبنام‌های معاصر
سیحون	آبسکون	خزر
جیحون	آب زره	رود هیرمند
آمودریا	الانی	جوانرود
آموی	اولایی	کارون
هیرگان	باخشوا	قزل سو
آراکس	بحر جرجان	رود ارس
آراکوس	بحر قلزم	رودبورا
آریوس	شیرجوپشت	هریرود

جدول آبنام‌ها در ادوار تاریخی

آبنام‌های کهن یا باستانی با توجه به تاریخ تشکل آنها از زبان‌های باستانی موجـود درایران به‌وجود آمده‌اند. این نوع آبنام‌ها را مـی‌تـوان در کتیبـه‌هـای قـدیمی، سـکه‌هـا، نوشته‌های رسمی متعلق به دوران کهن در کشور ایران و کشـورهای همجـوار مشـاهده نمود. بسیاری از مورخان یونانی، رومی، سریانی، آسوری، هندی، چینی، عرب و ترک در نوشته‌های خود اسامی موردهـای آبـی مـا را ذکـر نمـوده‌انـد. گـردآوری انـواع مختلـف نوشتاری این اسامی ابهامات بسیاری را در مـورد مفهـوم آنهـا رفـع مـی‌کنـد. در دوران باستان رسم براین بوده است که از کاتبان دیگر زبان‌ها برای نوشتن استفاده می‌نموده‌اند کنند و به‌همین دلیل بسیاری از کتیبه‌های باستانی به سایر زبان‌هـا و بـه خـط میخـی

1. Paleohydronyms
2. Mesohydronyms
3. Current or in-use Hydronyms

کتابت شده است. تنوع زبانی در میان آبنام‌های دوران باستان تا عصر حاضر نسبت به تنوع زبانی آبنام‌های جدید بیشتر است. دلیل این امر از یک طرف، کوچکتر شدن حدود و ثغور ایران و از طرف دیگر، عدم کاربرد سایر زبان‌ها در ایران است. اگر در میان آبنام‌های کهن و آبنام‌های قرون میانه ایران اسامی مغولی، چینی، هندی و ... دیده شوند، قطعاً در بین آبنام‌های معاصر این نوع اسامی، دیگر به‌چشم نمی‌خورند.

یکی ازنکات قابل توجه در موقعیت کنونی ایران وجود اقلیت‌های قومی در اطراف کشور و بخصوص در سرحدات مرزی کشور است. عرب‌ها، ترک‌ها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها، کردها بیشتر در کنار مرزها سکونت دارند. طبق آمار منتشره پایگاه اینترنتی زبان‌شناسی موسسه SIL به‌نام اتنولوگ، تعداد زبان‌هایی که در ایران بدان تکلم می‌شود، ۶۹ زبان است. اگر همه این زبان‌ها دارای اسامی جغرافیایی مخصوص به‌خود نباشند، باز هم می‌توان ردپای بسیاری از آن زبان‌ها را در میان آبنام‌ها پیدا نمود.[۱]

بررسی آبنام‌های ایران نشان می‌دهد که در ساختار زبانی آبنام‌های ایران چند گروه زیر به چشم می‌خورد:

آبنام تک زبانه	آبنام دو زبانه	آبنام چند زبانه
زولاچای	دوشیوان سو	چم‌آق دره
بیوک چای	چم قره زاغ	قنات‌اله وردیخان
گاو رود	قنات طوماس	قنات احمد پاشا
تلخاب	قنات‌هارون	قنات شاه چلبی
شط	تنگل آقاسو	ملا حیدر آرخی
شوت	چم اوزان	رودبار گل یورت
بوژان	چای خررود	تنگل قلعه جوق
ریسو	کال قنبرو	دره ذوآستین

جدول تنوع زبان در تشکل آبنام‌ها

۱. برای اطلاعات بیشتر به بخش زبان‌های ایران در سایت اینترنتی آدرس زیر مراجعه کنید:
http://www.ethnologue.com /

۱. **آبنام‌های یک جزئی متعلق به زبان‌های مختلف** در بین آبنام‌های تک‌جزئی اسامی فارسی، ترکی، عربی، ترکمنی، گیلگی، مازندرانی، کردی، ارمنی، بلوچی، لری، مغولی و ... مشاهده می‌شود؛ مانند بونه (Bune - عربی)، جبرین (Cabreyn - عربی)، خارکو (Xärko - عربی)، اوغاز (Uğäz - ترکمنی)، اریک (Arik - ترکی)، ایلیکا (İlika - گیلگی)، ارمو (Urmu - ترکی).

۲. **آبنام‌های دوجزئی که هردو جزءآن از یک زبان سرچشمه می‌گیرند** ممکن است این زبان‌ها جزو زبان‌های رایج یا زبان‌های منسوخ باشند؛ مانند دلی‌چای (Dali çäy)، تاش‌بلاغ (Täşbuläğ)، چم بناسوره (Çame bansure)، کول‌چنگر(çangar Kule)، چم مرخوز (Çame marxuze)، جوزچال (Coze çäl)، کانی رش (Käni raş)، باوُل رود (Bävalrud)، کانی چرمو (Käni çarmu).

۳. **آبنام‌های دوجزئی که هرکدام از اجزای آن ازیک زبان مستقل سرچشمه گرفته است**. این نوع آبنام را که در میان اسامی جغرافیایی به وفور یافت می‌شود در اصطلاح توپونیمی (creonym) گویند. در این آبنام‌ها ترکیب‌های مختلف مانند فارسی - ترکی، ترکی - فارسی، فارسی - کردی، فارسی - ترکمنی، فارسی- عربی، ترکی - عربی، ترکی - کردی به‌چشم می‌خورد. این ترکیب‌ها آمیختگی زبانی در مناطق مختلف جغرافیایی را نشان می‌دهد. مثل باغ مورت (Bäğe murt)، کال کلات (Käle kalät)، کال آلبلاغ (Käle älbuläğ)، تنگل آقا سو (Tangale äqäsu)، آناسخیوک (Änsaxiyuk)، تول چشمه (Tul çeşme)، زق رودخانه (Zaqrudxäne)، تنگ لاش (Tange läş)، شط العرب، قوره تو (Qure tu)، گلال مولیز (Kalle mulz)، گیلال کورگه (Gilälkurge)، چم کیسلان (Çame kislän)، چم آغوتمان (Çame ağutmän)، مهربان چای، دوشیوان سو (Doşivän su).

در اکثر این ترکیب‌ها زبان فارسی، به علت گستردگی، بیشتر از سایر زبان مورد استفاده است. برخی ترکیب‌ها مانند بلوچی - ترکمنی، بلوچی - کردی و ترکی - بلوچی بسیار نادر است. از طرف دیگر، زبان عربی به علت ایفای نقش تاریخی

درترکیب‌ها فعال‌تر است، اما این فعال بودن گواهی بر کاربرد و رایج‌بودن برای محاوره در آن مناطق نیست.

۴. **آبنام‌های چندجزئی که کلیهٔ اجرای آن متعلق به یک زبان رایج معاصر یا منسوخ است؛** مانند اوزون دره گویجه قیه (ترکی)، اسب نیزه رودبار (فارسی).

۵. **آبنام‌های چندجزئی که اجزای آن به زبان‌های مختلف است**. این نوع آبنام creonym hydronym نامیده می‌شود؛ مانند آق زوج چای(Äğ zoc çäy ، فارسی و ترکی). تعداد این نوع اسامی نسبت به سایر آبنام‌ها بسیار کم است.

زبان آبنام	مثال آبنام
فارسی	آفرین، حوض، سرگز، آب چوش، رودبار
ترکی	دمیر، درین سو، سارمساقلو
عربی	متاع، ابوالعباس، ابوالفارس،
ترکمنی	تاش بلاغ، چقلیق، یانبلاغ، سنکزسو
کردی	سیوند، پاژچای، چم کوران، روشاده
گیلگی	گی مرد، گیلوان، کیاکلا، کیاسر
مازندرانی	باوُلرود، قلات، لگارود، لیسار
بلوچی	دهوچ، دارگادلی، چدرک، پتکینس

جدول آبنام باتوجه به منشاء زبانی آن

بسامد زبانی[1] آبنام‌ها

بسامد استفاده از زبان‌های مختلف با پراکندگی قومی آنها ارتباط تنگاتنگی دارد. بجز زبان فارسی که آبنام‌های آن دراغلب نقاط ایران دیده می‌شوند، سایر زبان‌ها دارای پراکندگی جغرافیای محدودتری هستند. دلیل این امر کوچ‌های اجباری بوده است که در تاریخ گذشته ایران بسیار به‌چشم می‌خورد. سلاطین و صاحبان حکومت در گذشته برای حفظ سرحدات خود از مهاجمان اغلب اقدام به جابجایی طوایف و قبایل طرفدار

1. Linguistic Frequency

خود به سایر مناطق می‌نمودند و افراد این طوایف نیز به همراه خود، نام‌های خود را به مناطق جدید می‌بردند. جمع‌آوری نام‌های مشابه درنقاط مختلف کشور و بررسی تاریخی آنها در این مورد نکات جالب توجهی را آشکار خواهد کرد.

تدوین اطلس‌های هیدرونیمی برای تبیین و شناخت بسامد آبنام‌های ایران اقدام عملی بسیارضروری به‌شمارمی‌رود. چنین مجموعه‌ای می‌تواند خصوصیات کاربردی متعدد داشته و مورد استفاده محققان مردم‌شناسی، تاریخ و زبان‌شناس قرار گیرد.

فصل نهم

واژه‌ها

واژه‌نامه توصیفی توپوهیدرونیمی

با توجه به اینکه علم توپونیمی و هیدرونیمی که بخشی از آن است در ایران بسیار نوپاست، به‌همین دلیل هنوز واژگان علمی آن شکل نگرفته است. این وظیفه محققان جوان است تا با توجه به این علم، اصطلاحات آن را نیز ایجاد کنند. به همین منظور، گردآوری و تشریح این اصطلاحات در انتهای این کتاب می‌تواند راهگشا و مشوق علاقمندان باشد. بسیار خرسند می‌شویم اگر خوانندگان ما را از نظرات خود در مورد اصطلاحات علمی توپونیمی و هیدرونیمی آگاه نمایند. به‌دلیل عدم وجود معادل برای اکثر اصطلاحات، مفهوم آنها به صورت تشریحی در اینجا آورده شده است. نویسنده ضمن تدوین این کتاب، اصطلاحاتی را برای معادل‌های خارجی آن مناسب تشخیص داده و به‌کاربرده است. برای مثال آبنام (Hydronym)، یادنام(Eponym)، میکروآبنام (Microhydronym)، ماکروآبنام (Macrohydronym)، راه نام (Odonym) سد نام (Dam's name)، آبنامه (Gazetteer of Hydronyms)، رودنام (River's name) و .... شایان ذکر است اصطلاح رودنامه توسط مهندس عباس جعفری به معنای فهرست نام رود استفاده شده است.

Abionym:

متشکل از واژهٔ یونانی *abios* به‌معنای زندگی و *onim* به معنای نام به اسامی موارد بی‌جان طبیعی یا ساخته دست بشر مثل توپونیم‌ها، کاسمونیم‌ها وآسترونیم‌ها. متضاد آن بایونیم گفته می‌شود.

Abyssal Hills:

منطقه برآمده در عمق دریا

Abyssal plain:

گستره‌ای با شیب آرام در عمق دریا

Active hydronym:

آبنام فعال یا مورد استفاده

Adonym:

اسامی زمین‌های زراعی و غیرزراعی مثل باغ، صحرا، بیابان، مزرعه، جنگل و باغچه

Agoronym:

متشکل از واژهٔ یونانی *agor* به‌معنای بازار، میدان و خیابان و *onim* به‌معنای نام. شامل نام اماکن عمومی شهرها مثل میادین، خیابان‌ها و ....

Agronym:

متشکل از واژهٔ یونانی *agros* به‌معنای مزرعه و زمین کشاورزی و *onim* به‌معنای نام. اسامی زمین‌های کشاورزی و زراعی را گویند.

Acronym:

متشکل از واژهٔ یونانی *akros* به معنای خارجی، ظاهری و کناری و *onim* به معنای نام. کلیهٔ اسامی جغرافیایی را می‌گویند که به صورت مخفف یا اختصاری مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ مانند UK,USA.

Allonym:

متشکل از واژهٔ یونانی *allos* به معنای سایر و غیـر و *onim* بـه معنـای نـام. اشـکال گوناگون و مختلف یک نام که به‌صورت رسمی یا غیررسمی به‌کارمی‌روند.

Álternative hydronym:

آبنام مترادف

Anthrohydronym:

آبنام‌هایی که از نام خانوادگی به‌وجود آید.

Anthroponymic hydronym:

آبنام‌هایی که از اسم اشخاص به‌وجودآید.

Anthroponym:

اسامی خاص انسان

Anthroponymy:

شاخه علمی که در مورداسامی خاص انسان تحقیق می‌کند.

Anthropoikonym:

اسامی نقاط مسکونی که از اسامی خاص انسان به‌وجود آمده است.

Anthropotoponym:

اسامی جغرافیایی که از اسامی خاص انسان به‌وجود آمده است.

Anthropotoponymy:

علمی که اسامی جغرافیایی برگرفته از اسامی خاص انسان بررسی می‌کند.

Approved name:

نام تأیید شده یا رسمی

Apron:

شیب آرام در لایه‌های کف دریا

Archipelagic apron:

شیب آرام کف دریا با سطح ملایم که معمولا در اطراف جزایر واقع است.

Astiohydronym:

از واژهٔ یونانی *aste* به‌معنای شهر و شهری. آبنام‌هایی که از اسامی شهرها ساخته شوند. مانند سدکرج، سد دزفول.

Astionym:

از واژهٔ یونانی aste به‌معنای شهر و شهری و *onim* به معنای نام.اسامی شهرها

Astionymy:

شاخه علمی که اسامی شهرها را بررسی می‌کند.

Astronym

از واژهٔ یونانی astur به‌معنای ستاره و *onim* به معنای نام. اسامی اجرام سماوی، ستارگان، کهکشان، شهاب و ...

Astronymy:

علمی که اسامی اجرام سماوی را بررسی می‌کند.

Astrotoponym:

اسامی جغرافیایی که از اسامی اجرام سماوی به‌وجود آمده است. منطقه کم عمق ساحل و مناسب برای کشتیرانی

Basin:

گودال یا فرورفتگی در کف دریا

Bationym:

از واژهٔ یونانی baty به معنای عمق و *onim* به‌معنای نام. اسامی عوارض و پستی بلندی‌های زیرآب.

Bionym:

از واژهٔ یونانی bios به‌معنای زندگی و زیست و *onim* به معنـای نـام. اسـامی خـاص موجودات زنده مثل انسان، حیوان و گیاهان

Choronym:

اسم محلی یک عارضه جغرافیایی

Composite name:

اسم مرکب که چسبیده نوشته شود و یک جزء آن اصـطلاح جغرافیـایی باشـد؛ ماننـد سفیدرود، زاینده‌رود.

Compound name:

اسم مرکب که چسبیده نوشته شود.

Comonym:

از واژهٔ یونانی comon به معنای روستا و ده و*onim* به معنای نـام. اسـامی روسـتاها، قصبه و دهات

Comonymy:

بررسی اسامی دهات و روستاها

Compartive toponymy:

بررسی مقایسه‌ای اسامی جغرافیایی

Component of name:

اجزای مختلف اسم

Conventionl name:

اسامی خارجی رایج در یک منطقه

Cosmonym:

از واژهٔ یونانی kosmos به‌معنای آسمان و فضـا و onim بـه معنـای نـام. نـام اجـرام فضایی

Cosmohydronym:

آبنام‌هایی که از نام اجرام سماوی گرفته شده است.

Cosmotoponym:

اسامی جغرافیایی که از نام اجرام فضایی ساخته شده است.

Creonym:

اسامی که از چند زبان مختلف ساخته شده است.

Cultural feature:

عارضه جغرافیایی با کاربرد فرهنگی مثل آثار باستانی و قدیمی

Dam's name:

نام سدها، سدنام‌ها

Drimonym:

از واژهٔ یونانی drimos به‌معنای بیشه، بیشه زار و *onim* به معنای نام .اسامی مناطق جنگلی و بیشه‌زارها

Drimohydronym:

آبنام‌هایی که از اسامی بیشه‌زارها درست شده است.

Dromonym:

از واژهٔ یونانی dromos به‌معنای راه و *onim* به معنای نام.اسامی راههای زمینی، هوایی و دریایی.

Eclesionym:

از واژهٔ یونانی ekklysi به‌معنای مکان همایش و *onim* به معنای نام. اسامی مکان‌های عمومی یا مقدس مثل مسجد و کلیسا

Ellipsisonym:

اسامی که اصطلاحات جغرافیایی از آنها حذف شده باشد.

Elonym:

اسامی مرداب و باتلاق‌ها را گویند.

Endohydronym:

آبنام به زبان‌های رایج یک منطقه.

Endonym:

اسامی بومی ومحلی، اسامی متعلق به زبان رایج آن منطقه

Epexegetic:

نامی که مردم به یک عارضه می‌دهند (نوعی صفت اضافه) و اطلاعات بیشتری را به آن اضافه می‌کند.

Eponym:

منشعب از واژۀیونانی eponymos به‌معنای نامگذاری. اسامی که ازنام اشخاص، افـراد به وجود آید. یادنام

Epotoponym:

توپونیم یادمان. اسامی جغرافیایی که از اسم عام به‌وجود آید.

Ethnohydronym:

آبنام‌هایی که از نام طوایف و قبایل تشکیل شده است.

Ethnonym:

اسامی طوایف و قبایل

Ethnotoponym:

اسامی جغرافیایی که از نام طوایف درست شود.

Etionym:

شکل و مفهوم قدیمی اسامی

Etymology:

علم ریشه‌یابی اسامی

Exonym:

متشکل از واژهٔ یونانی ekzo به‌معنای راه و *onim* به معنای نام. اسامی رایـج در یـک منطقه که به زبان رایج همان منطقه مربوط نباشد

Exohydronym:

اسامی موردهای آبی که خارج از حدود جغرافیایی آن زبان به‌کارمی‌روند.

Exteraterrestrial features:

عوارض غیرزمینی

Exteraterrestrial name:

اسامی غیرزمینی

Feature class:

نوع عارضه

Frequency:

تعداد دفعات استفاده از یک نام، اصطلاح جغرافیایی و هیدروجغرافیایی مانند شور کـه ۷۹بار آمده است.

Gazetteer:

نامنامه رسمی

Gazetteer of Hydronyms:

آبنامه، فهرست رسمی آبنام‌های یک منطقه یا یک کشور

Generl toponymy:

توپونیمی عمومی، شاخه‌ای که قوانین عام را بررسی می‌کند.

Generic element:

بخشی از توپونیم که اصطلاح جغرافیایی را نشان می‌دهد.

GeoName:

مخفف اسم جغرافیایی

Geographical feature:

عارضه جغرافیایی

Geographical name:

نام جغرافیایی

Granted Hydronym:

آبنام‌های عاریه شده از یک توپونیم یا نام دیگر مربوط به منطقه‌ای دیگر

Historical name:

اسم تاریخی یا قدیمی عارضه

Hodonym:

راه نام، اسامی گذرگاههای درون شهری

Homonym:

اسامی جغرافیایی مشابه مانند هراز (کوه، رود و جاده)

Homohydronym:

آبنام مشابه مانند سدکرج و رود کرج

Hydrogeographical Formant:

بخشی از آبنام که به عنوان اصطلاح هیدروجغرافیایی به‌کار می‌رود.

Hydronymical Topoform:

اصطلاح هیدرونیمی که نوع آبنام را معین می‌کند؛ مانند سد، رود، چشمه که به اسم می‌چسبند.

Hydronymic feature:

عوارض آبی

Hydronymist:

کسی که به‌صورت حرفه‌ای درباره آبنام‌ها تحقیق کند.

Hydronymy:

علمی که موضوع آن آبنام است.

Hydrohydronym:

آبنامی که از یک آبنام دیگر به وجودآید.

Hydronym:

آبنام، اسامی موردهای آبی را گویند.

Hydro - object:

هر نوع موردآبی طبیعی یا مصنوع دست بشر را گویند.

Hyphenation:

استفاده از علامت تیره در اسامی مرکب

Limnonym:

از واژهٔ یونانی *limno* به‌معنای دریاچه و *onim* نام. اسامی دریاچه، نهر، برگه و تالاب را گویند.

Linguistic Frequency:

استفاده مکرر زبانی یا دفعات استفاده از یک زبان در نامگذاری

Litonym:

از واژهٔ یونانی *litus* به‌معنای ساحل و *onim* نام. نام عوارض زمین مانند دلتا، خلیج، دماغه و... در ساحل

Local name:

اسم بومی، اسم محلی

Long form:

شکل کامل یا اختصار نشده عارضه

Lunar name:

اسم مربوط به قمر یا کره ماه

Mcrohydronym:

آبنام‌های حجیم و بزرگ

Man_made feature:

عارضه ساخت دست بشر

Maritime name:

نام دریایی یا مربوط به دریا

Memohydronym:

آبنام‌های یادآور شخصیت‌های معروف

Mesohydronym:

آبنام‌های متعلق به قرون میانه

Minority name:

اسم به زبان‌های اقلیت

Microhydronym:

آبنام‌های کم حجم یا کوچک

Multilingual gazetteer:

نامنامه چندزبانه

Multiscriptual map:

نقشه چند خطه یا نوشتار مختلف

Mythohydronym:

آبنام‌هایی که از نام اساطیر به‌وجود آمده‌اند.

Mythonym:

متشکل از واژهٔ یونانی *mufes* به‌معنای افسانه و *onim* نام. نام اساطیر و افسانه‌ها

Mythotoponym:

اسامی جغرافیایی برگرفته از نام اساطیر

Name’s card:

کارت ثبت اسامی جغرافیایی

Name’s classifiction:

دسته‌بندی اسامی

Name’s trnasformation:

تبدیل اسامی در آوانویسی

Natural feature:

عارضه طبیعی یا موجود در طبیعت

Nekronym:

اسامی گورستان‌ها و مزارها

Neohydronym:

آبنام جدید

Neotoponym:

اسامی جغرافیایی جدید

Nomenclature:

اصطلاحات جغرافیایی موجود در اسامی

Nomin:

کلیهٔ کلماتی که به عنوان اسم به کار روند.

Nomination:

نامگذاری جغرافیایی

Oceanonym:

اسامی جغرافیایی موجود درسطح و اعماق اقیانوس‌ها

Odonym:

به hodonym مراجعه شود.

Oikohydronym:

آبنام‌هایی که از اسم مناطق مسکونی گرفته شده باشد.

Onomist:

کسی که درمورد اسامی تحقیق می‌کند.

Oronym:

اسم پستی و بلندی‌ها مثل کوه، دشت، تپه.

Orohydronym:

آبنام‌هایی که از نام پستی و بلندی طبیعی به‌وجود آمده است.

Pleohydronym:

آبنام‌های قرون اولیه

Passive Hydronym:

آبنام‌های غیرفعال

Pathrohydronym:

آبنام‌هایی که از نام خانوادگی اشخاص گرفته شده باشند.

Pelgonym:

متشکل از واژۀ یونانی *Pelgos* به معنی دریا و*onim* به معنای نام .اسـامی دریاهـا و بخش‌های آن

Phytohydronym:

آبنام‌هایی که از نام نباتات و گیاهان تشکیل شده باشند.

Physical feature:

عارضه فیزیکی

Place name:

نام مکان

Primary name:

نام اولیه یا قدیمی عارضه که منسوخ باشد.

Proper name:

اسم خاص

Pollionym:

چندنامه، دارای چند اسم

Potamonym:

متشکل از واژۀ یونانی *Potmos* به معنی رودخانـه و *onim* بـه معنـای نـام. رودنـام، اسامی رودها و رودخانه‌ها

River’s name:

اسامی رودها، رودنام‌ها

Romanistion:

لاتین‌نویسی اسامی جغرافیایی

Saddle:

گذرگاه پهن در خط الراس یا میان دو برآمدگی که شبیه زین اسب است.

Seabed features:

عوارض جغرافیایی بستر دریا

Seamount:

برجستگی‌های کله قندی در دریا

Seamount chain:

رشته برجستگی‌های کله‌قندی در دریا

Selenonym:

متشکل از واژۀ یونانی *selono* به معنای ماه و *onim* به معنای نام. اسامی جغرافیایی کره ماه

Semantic classification:

دسته‌بندی اسامی بر مبنای مفهوم آنها

Semasiology:

علمی که مفهوم واژه را بررسی می‌کند.

Shelf :

منطقه‌ای در اطراف قاره‌ها یا جزایر با شیب آرام تا جایی که شیب تند کف اقیانوس شروع می‌شود.

Shelf edge:

خطی که گستره shelf را در اطراف قاره‌ها یا جزایر مشخص می‌کند.

Short form:

شکل اختصار اسامی مثل US

Specific element:

بخشی از اسم که اصطلاح جغرافیایی نیست؛ مانند عباس در بندرعباس.

Speleonym:

متشکل از واژهٔ یونانی *peleon* به‌معنای غار و *onim* به معنای نـام. اسـامی عـوارض طبیعی زیر و روی زمین مثل غارها

Standardized allonym:

اسامی گوناگون یکسان شده

Standardized endonym:

اسامی محلی یکسان شده

Standardized Hydronyms:

آبنام‌های یکسان شده

Standardized name:

نام یکسان شده به عنوان نام رسمی

Terronym:

متشکل از واژهٔ لاتینی *terra* به‌معنای زمین و خشکی و *onim* به معنای نـام. اسـامی جغرافیایی موجود در خشکی‌ها

Topographic feature:

عارضه توپوگرافی

Toponomastic:

بررسی نام‌شناسی اسامی جغرافیایی

Toponymical areal:

جغرافیایی یک توپونیم یا منطقه‌ای که توپونیم درآنجا به‌کار رفته است.

Toponymic database:

پایگاه اطلاعاتی اسامی جغرافیایی

Toponymic glossary:

واژه‌نامه توپونیمی

Toponymic guideline:

دستورالعمل مربوط به اسامی جغرافیایی

Toponymic index:

فهرست توپونیمی

Toponymic landshaft:

عوارض توپونیمی

Toponym variant:

اسامی متعدد یک عارضه جغرافیایی

Undersea features:

عوارض جغرافیایی بستردریا

Zoohydronym:

آبنام‌هایی که ازاسم جانوران یا حیوانات ایجاد شده باشد.

Zoonym:

اسامی حیوانات

Zootoponym:

اسامی جغرافیایی برگرفته از نام حیوانات

پیوست‌ها

کتابنامه به زبان فارسی

۱. اصطخری، ابواسحق ابراهیم، *مسالک و ممالک*، به اهتمام ایـرج افشـار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۴۷.

۲. ایقانیان، ریاض اله، *اطلس هیدرولوژی جنوب البرز*، وزارت آب و برق، تهران، ۱۳۴۸.

۳. بدیعی، ربیع، *جغرافیای مفصل ایران*، اقبال، تهران، ۱۳۷۲.

۴. بهنیا، عبدالکریم، *قنات سازی و قنات داری*، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۱.

۵. جعفری، عباس، *رودها و رودنامه ایران*، گیتاشناسی، تهران، ۱۳۷۶.

۶. جعفری عباس، *شناسنامه جغرافیای طبیعـی ایـران حـاوی اسـامی کوهها، رودهـا و عوارض طبیعی*، گیتاشناسی، تهران، ۱۳۶۸.

۷. جنیدی، محمد جواد، *چشمه‌های معدنی ایران*، انتشارات دانشگاه تبریز، تبریز، ۱۳۴۸.

۸. چکنگی، علیرضا، *فرهنگنامه تطبیقی نام‌های قدیم و جدید مکان‌های جغرافیایی ایران و نواحی مجاور*، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۸.

۹. حدود *العلم من المشرق الی المغرب*، بـه کوشـش منـوچهر سـتوده، طهـوری، تهـران ۱۳۶۳.

۱۰. حموی، یاقوت، *برگزیده مشترک*، ترجمهٔ محمدپروین گنابـادی، ابـن سـینا، تهـران ۱۳۴۷.

۱۱. *دستورالعمل طبقه‌بندی و نام‌نگاری عوارض در نقشه‌ها و پایگاه اطلاعات توپـوگرافی ملی*، سازمان نقشه‌برداری کشور، تهران، ۱۳۷۷.

۱۲. دشتی‌زاده، رحمت‌آبادی محمد، *آبهای زیرزمینی و قنات*، پایان‌نامـه فـوق لیسـانس، دانشگاه شیراز، دانشکده کشاورزی، شیراز، ۱۳۷۳.

۱۳. *راهنمای آوانویسی کلی*، گروه کاری آوانگاری نام‌های جغرافیـایی، کمیتـه تخصصـی نام‌نگاری و یکسان‌سازی نام‌های جغرافیـایی ایـران، سـازمان نقشـه‌بـرداری کشـور، تهران، ۱۳۸۳.

۱۴. رفاهی علمداری، فیروز، *مبانی توپونیمی و نگاهی بـه توپـونیم‌هـای ایـران*، سـازمان نقشه‌برداری کشور، تهران، ۱۳۸۰.

۱۵. صفی‌نژاد، جواد، *نظام‌های آبیاری سنتی درایران*، تهران، ۱۳۵۹.

۱۶. طاهری ابوالقاسم، *جغرافیای تاریخی گیلان و آذربایجان*، توس، تهران، ۱۳۴۷.

۱۷. *فرهنگ رودهای ایران*، سازمان جغرافیایی کشور، تهران، ۱۳۸۱.

۱۸. قاجار، نادرمیرزای، *تاریخ و جغرافیای دارالسطنه تبریز*، بـه تصـحیح محمدمشـیری، طهوری، تهران، ۱۳۵۱.

۱۹. گابریل، آلفونس، *تحقیقات جغرافیایی ایران*، ترجمهٔ خواجه نوری، ابن سینا، تهـران، ۱۳۴۸.

۲۰. *مجموعه مقالات نخستین همایش نام نگاری و یکسـان‌سـازی نـام‌هـای جغرافیـایی ایران*، سازمان نقشه‌برداری کشور، تهران ۱۳۸۰.

۲۱. مدبری، محمد، *کوههای ایران*، *مجله چیستا*، سـال هشـتم شـماره ۲، آبـان ۱۳۶۹، صص ۲۷۴ـ۲۶۹.

۲۲. مفخم، پایان لطف‌اله، *فرهنگ رودهای ایران*، سازمان جغرافیایی کشور، تهران، ۱۳۵۳.

۲۳. مقدسی ابوعبداله محمدبن احمد، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمهٔ دکتر علینقی منزوی، شرکت مولفان و مترجمان ایران، تهران، ۱۳۶۱.

۲۴. نیکنام، ایوب و فریبرز ذوقی، *تبریز درگذر تاریخ- نگاهی به تاریخ آذربایجان*، انتشارات یاران، تبریز، ۱۳۷۴.

کتابنامه به سایر زبان‌ها

1. Azərbaycan onomastikası problemlərinə həsr olunmuş II elmi-nəzəri konferansın materiyalları, API, Bakı,1988.

2- De Meynard Barbier, Dictionnire geogrphique, historique et litteraire de l Perse , Paris, 1861.

3. Herodotus, The Histories, Penguin Books, GB, 1973.

4. Kadmon Naftli, Ptoley The First UNGEGN Toponymist, NGEGN Newsletter # 23,NY, 2000

5. Kadmon Naftli, Toponymy The Lores, Laws and Languages of Geogrphic Names,Vant Press Inc, NY, 2001.

6. Michael Witzel, Nepalese Hydronymy, Harvard University, 1991.

7. Nafasov T., Djbarov Kh., Drevni-Iranskiye relikti -gidronymi yuzhnavo Uzbakistan, Turkologiy, ,1992, N.3, p.59.

8. Orel V.E., K vaprosu o reliktakh Iranskoy gidronymy v baseynakh Denepr, Denesatr, yuzh-nvo But/ Linquistic Questions,1986, N.5

9. Qara Mashadiyev, Zaqafqaziyanin Azerbaycan Toponimleri, Elm, Bakı, 1990.

10. Telegin D.Y., Iranian Hydronyms & archeological Culture in the Easter Ukraine, JIES., V.18.

11. Witzel Michael, Nepalese Hydronomy, Harvard University, 1991.

In chapter six, “Structural content of Hydronyms", we pay a glance at morphological content of Hydronyms

In chapter seven, “Semantic elements of Hydronyms", the names are classified in semantically meanings which are viewed in Hydronyms.

In chapter eight, “Etymology of Hydronyms" we look in the meanings which best clarifies Hydro-nyms in part or in whole.

In chapter nine, “Languages of Hydronyms", we check the languages which are used in contemporary Iran or has been in use many years ago. Listing the Hydronyms we see how many languages or dialects of Persian are used for Hydro nomination.

At the end of this research a glossary of Hydronymic Terms are explained in Persian. Some of the terms here are selected from the "Toponymic glossary" prepared by IHO and UNGNEG publications. As Toponymy is a new scientific field in Iran many terms which are used in this field has no equivalent in Persian and needs to be described.

Firuz Refahi Alamdari
Tehran, 2005

In this book different classification of Iran’s Hydronyms based on their linguistic structures and semantic meanings are explained..

Historically, Iran has been homeland for different cultures and languages and we can easily trace the same in between its Hydronyms.

The attempt for clarifying Hydronyms of Iran is the second research of this author. The first one named “Principles of Toponymy and a glance at Toponyms of Iran”.It was published with the initiation of “National Committee for Standardization of Geographical Names” which is situated at National Cartographic Center of Iran.

The author as a member to the working group of the this Committee hopes that this study pave the way for linguists, geographers and historians to start and put forward many works in future,

In the first chapter, “introduction to Hydronyms" the general concept of Hydronyms are explained.

In the second, chapter "What is a Hydronym" all geographical features which are related to water or Hydro-objects are described.

In chapter three, "standardization and registration of Hydronyms", are studied. In chapter four,"Hydronyms in History" backgrounds of Hydronyms are viewed. Here the Greeks, Romans, Assyrians, Arabs, Armenians and Persian geographers and scholars and their attempts to describe Iran's plate are surveyed.

In chapter five, “Methods of Collecting and Researching Hydronyms" are explained. The most emphasis has been on diachronic and synchronic collecting of Iran's Hydronyms

Hydronyms of Iran

By

Firuz Refahi Alamdari

Abstract

This book consists of names of all hydro-objects of Iran. Hydronyms of Iran hasn't been an independent subject for any research so far. Even the number of research articles in this respect doesn't exceed the number of fingers of our hands. Therefore, any attempt in this field has its own characteristics and benefits.

Hydronymy is one of the main subjects of Toponymy. The other fields are ***Oykonymy*** *which studies the names of settling places and* ***Oronymy*** *which studies the names of all geographical features.*

This concise study considers to be the first step in study and research on Hydronyms of Iran. Hydronyms of Iran are vastly recalled in old historical and geographical books. Even old scholars as Strabo and Herodotus have mentioned names of rivers, lakes and seas of greater Iran Empire in their books. There have been attempts to explain some of Hydronyms of Iran by Arab, Greek, Roman and Adrian writers as well as Iranians.

National Cartographic Center
Research Institute

Hydronyms of Iran



ISBN: 964-6922-33-3
9 789646 922334

Author: Dr. Firuz Refahi Alamdari

سازمان نقشه‌برداری کشور
مرکز تحقیقات نقشه‌برداری

هیدرونیم‌های ایران
(پژوهشی در آب‌نام‌های ایران)



نویسنده : دکتر فیروز رفاهی علمداری